

«نابغه فقه و حدیث»

در آینه نقد و گزارش (۲)*

سیدحسن فاطمی موحد

مجدالدین بن شفیع الدین دزفولی

یک) قاضی مجدالدین بن قاضی شفیع الدین بن فصیح الدین بن مجدالدین دزفولی (م قبل ۱۱۶۵ ق) از خاندان قاضی دزفول است که بنا به نوشته اجازه کبیره و مشهور، نسب آنان به قثم بن عباس، عموی رسول اکرم (ص) می‌رسد.

مرحوم حاج سیدمجدالدین معاصر - مقیم و امام جمعه دزفول - منکر انتساب به قثم بود و خود را حسینی و از اولاد امام علی بن الحسین (ع) می‌دانست.

تصریح جزری به بلاعقب بودن قثم،^۱ انتفای انتساب مزبور را تأیید می‌کند (ص ۲۸۹).

دو) صاحب اللآلی المنتظمه (ص ۱۱۴) قاضی مجدالدین را از علمای شوستر شمرده و وفات او را در ۱۱۶۷ دانسته است؛ ولی او از دزفول بود و تاریخ مذکور هم نادرست است؛ زیرا حزین - صاحب تذکره و دوست و معاصر او - وفاتش را چند سال قبل از تألیف تذکره ضبط کرده و تذکره را سال ۱۱۶۵ نوشته است (ص ۲۹۳).

محدث نوری

محدث نوری مقدمه مرآت الانوار و مشکاة الاسرار، تألیف ابوالحسن اصفهانی غروی (شریف) را استنساخ کرده است. در نسخه اصل الکواکب المنتثره احتمال داده که محدث نوری از روی نسخه کتابخانه غرویه استنساخ کرده است؛ ولی بنا به تصریح محدث در حاشیه خاتمه مستدرک (ص ۳۸۵) از روی نسخه صاحب جواهر نوشته است (ص ۲۴۳).

محسن امین

یک) محمد عبدالقادر احمد، کتاب النوادر ابوزید انصاری (ق ۳) را در بیروت در سال ۱۴۰۱ با تحقیقات و حواشی چاپ کرد. وی ضمن مصادر تحقیق خود، در صفحه ۶۱۸ کتاب اعیان الشیعه را تألیف سیدمحسن حسینی عاملی شافعی! در پنج جلد شمرده است! (ص ۴۵۰).

دو) علامه امین در سال ۱۳۷۱ وفات یافت؛ اما صاحب معجم المطبوعات (ص ۷۷۵) شرح حال او را با عنوان «الحسینی العاملی» نوشته است و گفته: وفات او در ۱۳۲۲ ضبط شده است. معجم مزبور در ۱۳۴۶ یعنی ۲۵ سال قبل از وفات علامه امین به چاپ رسیده است. در ستون ۱۶۲۲ نیز با عنوان «محسن العاملی»، او را نزیل دمشق نوشته است و ظاهراً به اشتباه خود پی برده است.

محقق کرکی

در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۰، ص ۲۰۷) خراجیه کرکی را به عبدالعالی نسبت داده است؛ صحیح آن علی بن حسین بن عبدالعالی است (ص ۴۷۹).

محمد ابراهیم بن محمد علی بن محمد طبسی خراسانی

یک) در مکارم الآثار (ج ۳، ص ۹۴۱) کتاب میزان السداد، تألیف شخص فوق را با عنوان قسطاس الغی والرشاد نوشته که مسامحه است (ص ۴۶۲).

* بخش نخست این مقاله در شماره ۱۱۹ به چاپ رسیده است.

۱. اسد الغابه؛ ج ۴، ص ۱۹۸.

نام گردآورنده را «احمد بن محمد» نوشته است.

محملین حسن حر عاملی

ر. ک به: شیخ حر عاملی.

محملین حسین بن عبدالصمد

ر. ک به: شیخ بهایی.

محملین سلمان (سلیمان) جزائری

شیخ محمد بن سلمان (سلیمان) جزائری استاد سید نعمت الله در جزائر بوده است. سید درباره اش می گوید: «محمد بن سلمان الجزائری، عالم فاضل، فقیه محدث، نحوی عابد، صاحب محراب، قرات علیه اول الشباب فی کتب العربیة وکان ساکناً فی قریة من قرى الجزائر، اسمها کارون وکان له تلامذة، اخذوا عنه علم الفقه وغيره، توفى فی الجزائر عشر السبعین بعد الالف».^۴

در اجازه کبیره هم همین مضمون که دلالت بر جلالت او دارد، آمده است؛ اما در کتب تراجم مذکور نیست (ص ۲۱۱).

محملین صادق بن مهدی کشمیری

یک) محمدعلی کشمیری (۱۲۶۰-۱۳۰۹) نویسنده نجوم السما است. در مؤلفین کتب چاپی (ج ۴، ص ۲۹۱) او را با میر غلام رسول، مشهور به محمدعلی کشمیری - متخلص به آزاد - مذکور در ریاض العارفین اشتباه کرده است و توجه نداشته است که مؤلف نجوم السماء در وقت تألیف ریاض العارفین در سال ۱۲۶۰ طفل یک ساله بوده است (ص ۴۹۴).

دو) محمد مهدی کشمیری تکمله نجوم السمارا نوشته و در دو جلد، در سال ۱۳۹۷ ق به چاپ رسانده است. آیت الله مرعشی نجفی رساله ای با عنوان «التبصره» نوشته و نام پدر نویسنده نجوم السمارا «صادق علی» ضبط کرده است. وجهی صحیح برای آن به نظر نمی رسد (ص ۴۹۳-۴۹۴).

سه) صاحب ایضاح المکنون (ج ۲، ص ۳۲۷) و هدیه العارفین (ج ۲، ص ۳۹۳) وفات او را به غلط سال ۱۳۱۱ نوشته اند (ص ۴۹۴).

محملین عبدالنبی نیشابوری اخباری

میرزا محمد اخباری در سال ۱۲۳۲ به قتل رسید؛ اما در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۰، صص ۱۷۷۷ و ۱۷۸۰) سال ۱۲۲۸ ضبط شده است (ص ۴۸۰).

محملین عبدالوهاب بن داود همدانی

یک) مؤلف منتخب فصوص الیواقیت واصل آن، امام

۲. ذریعه؛ ج ۱۶، ص ۱۴۲.

۳. اللالی المنتظمه؛ ص ۱۱۳.

۴. حاشیه سید بر امل الاكمل (نسخه خطی).

دو) تذکرة المحدثین از آثار اوست. در کرام البرره (ج ۱، ص ۲۱) شرح حال او آمده است، ولی اسمی از این کتاب نیست؛ زیرا کامیاب و محتملاً منحصر به فرد است. مالک نسخه، فاضل محترم میرسید احمد روضاتی صفحات مورد نیاز را فتوکپی کرده است و از تهران برای ما فرستادند (ص ۲۲).

محملین باقر بن اسماعیل خاتون آبادی

علامه تهرانی در گذشت میر محمد باقر خاتون آبادی - صاحب شرح عیون الحساب - را ۱۳۷۱ ق نوشته است^۲ که تصحیف ۱۱۲۷ است؛ همچنین از شرح عیون الحساب یاد نکرده است (ص ۳۶۸).

محملین باقر بن محمد تقی مجلسی

ر. ک به: علامه مجلسی.

محملین باقر بن محمد حسینی استرآبادی

ر. ک به: میر داماد.

محملین باقر بن محمد رضا شانه تراش شوشتری

تاریخ ولادت و وفات ملا محمد باقر معلوم نیست. وفات او را یکی از معاصران در ۱۰۳۵ نوشته است^۳ که قطعاً اشتباه است؛ زیرا ولادت استاد او سید نعمت الله جزائری پانزده سال پس از این تاریخ در ۱۰۵۰ بوده است. منشأ اشتباه آن است که در شرح حال همانام او ملا محمد باقر بن سید محمد شاهی نوشته اند که در ۳۵ در گذشت و مقصود ۱۱۳۵ است نه ۱۰۳۵ (ص ۲۵۸).

محملین باقر بن محمد تقی موسوی شفتی

ر. ک به: حجت الاسلام شفتی.

محملین احمد حسینی لاهیجانی

سید محمد بن احمد حسینی لاهیجانی - شاگرد علامه مجلسی - پرسش هایی از علامه کرده است و پاسخ ها را به ترتیب کتب فقهی تدوین نموده است و بنا به نوشته فوائد الرضویه (ج ۲، ص ۴۱۳) «نظم اللالی» نامیده است.

نسخه ای دیدیم که آن را به نام شاه سلیمان در سال ۱۱۰۳ نوشته بود و «در اللالی» نامیده بود، نه «نظم اللالی» (ص ۱۵۲). یادآوری: نام کتاب فوق در تلامذة المجلسی (ص ۵۹) «نظم اللالی» است. در کشف الحجب والاستار (ص ۵۸۳) علاوه بر آنکه از کتاب به صورت «نظم اللالی» نام برده است،



الحرمین ابوالمحاسن میرزا محمد بن عبدالوهاب بن داود همدانی (م ۱۳۰۵ ق) است. کتاب در سال ۱۳۰۰ ق در بمبئی چاپ شد. به علتی که اینجا جای ذکر آن نیست، بیشتر نسخه های منتخب، از صفحه ۳۴ تا ۳۹ ناقص است و کمتر نسخه ای کامل یافت می شود (ص ۴۹۱).

(دو) جای مناسب برای معرفی منتخب در ذریعه، جلد بیست و دوم است؛ اما در جلد ۱، صفحه ۱۳۰ و جلد ۱۶، صفحه ۲۳۶ با تسامح با عنوان «ملتقطات فصوص الیواقیت» به آن اشاره شده است.

(سه) در مؤلفین کتب چاپی (ج ۵، ص ۵۸۹) دوبار از نویسنده یاد شده است: یک بار به عنوان مولوی محمد بن عبدالوهاب، و از علمای هند پنداشته شده است. بار دیگر وفاتش در ۱۳۰۳ ضبط شده و این منتخب را با عنوان «فصوص الیواقیت» که اصل آن است و چاپ نشده، به وی نسبت داده است. گمان شده است دوبار چاپ صورت گرفته است و یک بار آن در ۱۲۸۱ به خط زین العابدین طباطبایی است؛ ولی این سال، تاریخ اجازه بوده و شخص مزبور یکی از مشایخ اوست و سال چاپ ۱۳۰۰ است (ص ۴۹۱).

یادآوری: حجت الاسلام جزائری در نابغه فقه و حدیث (ص ۴۹۲) صاحب منتخب فصوص الیواقیت و اصل آن را محمد بن عبدالوهاب همدانی معرفی کرده است، اما در پاورقی صفحه قبل، مؤلف کتاب مؤلفین کتب چاپی، کتاب فصوص الیواقیت را به محمد بن عبدالوهاب نسبت داده است، ظاهراً مورد انتقاد قرار داده است.

چهار) در اعیان الشیعة (ج ۴۵، ص ۲۹۵) و بیشتر صفحات ذریعه، وفات او را ۱۳۰۳ نوشته اند که اشتباه است و تاریخ صحیح که ۱۳۰۵ است، در ذریعه (ج ۲۲، ص ۴۰۳) ذیل عنوان «منتخب الدمعة الساکبه» مذکور است (ص ۴۹۱).

پنج) اعیان الشیعة (ج ۴۵، ص ۲۹۵-۲۹۶) شرح حال میرزا محمد بن عبدالوهاب همدانی را چنین آورده است: «یروی عنه بالاجازة، الشیخ راضی ...»؛ سپس نام عده ای از مشایخ او را می آورد. طبق این عبارت، همه از وی اجازه داشته اند؛ در حالی که همه نام بردگان از مشایخ وی بوده اند و عبارت مزبور غلط چاپی است که در غلط نامه تذکار نداده اند. عبارت صحیح چنین است: «یروی بالاجازة عن الشیخ راضی ...» (ص ۴۹۲).

محمد بن علی بن احمد حرفوشی حریری عاملی

(یک) محبی سنی، معاصر وی، تجلیل شایانی از او کرده است و علت مهاجرت او را از دمشق به ایران چنین نوشته است:

چون در دمشق گمنام بود و به فروش پارچه اشتغال داشت، به حریری معروف شد.^۵

در سلافة العصر چاپی (ص ۳۱۵) حریری به حویزی تصحیف شده است و بعضی ترجمه نویسان بدون توجه به این تصحیف، او را حویزی نوشته اند.^۶

اگر علت تسمیه او به حریری در خلاصة الاثر نبود، شاهد دیگر در اینکه حویزی غلط است، وجود داشت؛ زیرا در جلد اول امل الآمل که مخصوص عاملی هاست، شرح حالش نیامده است. اگر حویزی بود، در جلد دوم ذکر می شد (ص ۲۳۰-۲۳۱).

(دو) در امل الآمل چاپ سنگی همراه منتهی المقال (ص ۲۷) نام جد او که احمد بوده، محمد نوشته شده است. بعضی ترجمه نویسان هم بدون توجه از آن پیروی کرده اند و جد او را محمد نامیده اند.^۷ (ص ۲۳۱).

محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی

ر. ک به: شیخ صدوق.

محمد بن علی بن حسین عاملی

صاحب سلافة العصر (ص ۳۵۹) شرح حال شیخ حر عاملی را ذکر کرده است و در صفحه بعد شرح حال عموی او، یعنی شیخ محمد بن علی را نوشته است و او را شاعری ادیب خوانده و نمونه ای از شعر او را آورده است. صاحب خلاصة الاثر، شرح حال شیخ حر را از سلافة نقل کرده است، اما به اشتباه، مطالب مربوط به عموی شیخ حر را در شرح حال خود شیخ آورده است؛ عبارت او مضطرب و نامفهوم است (ص ۲۰۵-۲۰۶).

محمد بن علی بن حسین موسوی حسینی عاملی

فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۴۴) ذیل تدارک المدارک، مؤلف مدارک را که سید محمد موسوی حسینی عاملی است، سید محمد طباطبایی نوشته است. در صفحه ۲۹۱ گفته است: این نام در این عصر، معرف سید مجاهد صاحب مناهل است (ص ۴۷۸-۴۷۹).

یادآوری: نویسنده مدارک الاحکام، سید محمد بن علی موسوی

۵. خلاصة الاثر؛ ج ۴، ص ۴۹.

۶. ریحانة الادب؛ ج ۲، ص ۳۱۲.

۷. اعیان الشیعة؛ ج ۴۶، ص ۱۴۸.

محمدتقی بن مجلسی

یک بیشتر ارباب تراجم، نام پدر مجلسی اول را «مقصود علی» ملقب به مجلسی نوشته اند،^{۱۱} ولی امضای او محمدتقی بن مجلسی است و نامی از مقصود علی در آن دیده نمی شود. معاصر او شیخ حر عاملی، وی را محمدتقی بن المجلسی نوشته است.^{۱۲} خود در مقدمه روضة المتقین (ج ۱، ص ۲) گفته است: محمدتقی بن علی الملقب بالمجلسی. میرزا حیدر علی - از احد او - در مقدمه انساب خاندان مجلسی در دو جا همچنین اعیان الشیعه (ج ۴۴، ص ۱۲۲ و ۱۳۶) او را علی نامیده اند. به نظر می رسد کلمه «مقصود» قبل از «علی» در جامع الرواة (ج ۲، ص ۷۸) که دیگران به آن استناد کرده اند، تصحیف «المقدس» است (ص ۱۶۸).

دو در اعیان الشیعه (ج ۹، ص ۲۸۲) چاپ یازده جلدی، نام محمدباقر به جای محمدتقی آمده است که غلط چاپی است (ص ۱۶۸).

سه) مجلسی اول در شمار استادان و مشایخ سید نعمت الله جزائری نبوده است، اما صاحب ریاض العلماء او را جزء استادان وی شمرده است (ص ۱۷۰).

محمدجعفر بن آقابزرگ شوشتری

ر. ک به: فتح الله بن رضا کیمیایی مرعشی شوشتری.

محمدجعفر بن محمد طاهر خراسانی

ملا محمدجعفر بن محمد طاهر خراسانی (زنده در ۱۱۵۱) صاحب اکلیل المنهج، تباشیر، رضاع و گوهر مراد است. در روضات الجنات (ص ۲۶۳) ضمن شرح حال خداوردی افشار - صاحب زیادة الرجال - نام او را برده، فرموده است: «اکلیل او شبیه زبده است و خاتمه اش (خاتمه اکلیل) شامل اصحاب التبی (ص) الممدوحین و اصحاب امیر المؤمنین (ع) است».

برخی در اثر عدم دقت در عبارت روضات دچار اشتباه شده اند. بغدادی در هدیه العارفین (ج ۱، ص ۳۴۴) و ایضاً

۸. الکواکب المنتزه؛ ص ۱۷۴.

۹. تذکره شوشتر؛ ص ۱۲۷ و گلستان پیغمبر؛ ص ۲۵.

۱۰. اللالی المنتظمه؛ ص ۱۱۳.

۱۱. جامع الرواة؛ ج ۲، ص ۷۸. روضات الجنات؛ ص ۱۳۰. خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۸. قصص العلماء؛ ص ۲۳۱ و الکنی واللقاب؛ ج ۳، ص ۱۲۱. در سه کتاب اخیر گفته اند مجلسی متخلص «مقصود علی» بوده است.

۱۲. ر. ک به: کلیشه خط مجلسی اول در ریحانة الادب؛ ج ۶، ص ۲۴۹ و فهرست کتابخانه مجلس؛ ج ۱۱، ص ۳۹۴. نیز: امل الأمل؛ ج ۲، ص ۲۵۲.

حسینی عاملی (م ۱۰۰۹ ق) است و نویسنده مناهل الاحکام، سید محمد بن علی طباطبایی معروف به سید محمد مجاهد یا سید مجاهد (م ۲۴۲ ق) است و نباید میان آنها خلط کرد. در خور ذکر است که سادات طباطبایی از طرف پدر به ابراهیم طباطبایی می رسند و ابراهیم طباطبایی نواده امام حسن مجتبی (ع) است؛ بنابراین سادات طباطبایی، سید موسوی یا حسینی نیستند.

محمد بن علی بن حیدر عاملی

شیخ آقابزرگ نوشته است: سید محمد بن علی بن حیدر عاملی و شیخ احمد بن اسماعیل جزائری از شاگردان مولی ابوالحسن اصفهانی شریف بوده اند و آن دو در اجازه هایی که نوشته اند، به این مطلب تصریح کرده اند.^۸ گویا مقصود آن است که تصریح کرده اند که از او اجازه داشته اند، نه شاگرد او بوده اند؛ زیرا در اجازه کبیره آمده است: سید محمد بن علی بن حیدر و شریف از یک طبقه بوده اند (ص ۲۴۰).

محمد بن محمد حسین بن محمد مرعشی شوشتری

سید محمد شاه بن میر محمد حسین بن سید محمد شاه بن صدرالدین مرعشی شوشتری از احفاد قاضی نورالله شوشتری بوده است و مردی ظریف، شیرین مقال بود... در سال ۲۵ درگذشت.^۹ مقصود از ۲۵ بعد از ۱۱۰۰ است نه ۱۰۲۵ که یکی از معاصران تصور کرده است (ص ۲۶۸).

محمد بن نما

در شرح علامه حلی در مقدمه ملحقات احقاق الحق (ج ۱، ص ۴۸) یکی از مشایخ علامه را شیخ نجیب الدین محمد بن نما (م ۶۴۵ ق) نوشته است در حالی که علامه حلی سه سال پس از این تاریخ، یعنی ۶۴۸ متولد شد. او از مشایخ پدر علامه بوده است؛ چنان که سال تولد علامه در همان جلد، صفحه ۳۵ آمده است (ص ۴۸۷).

یادآوری: سال درگذشت شیخ نجیب الدین محمد در کتاب ذابغة فقه و حدیث در اثر اشتباه چاپی ۶۸۵ نوشته شده است.

محمد بن یعقوب فیروزآبادی

ر. ک به: فیروزآبادی.



المکنون، تاریخ ولادت و مؤلفات او را به خداوردی نسبت داده است.

در مصفی المقال (ص ۱۰۶) و تذکرة القبور (ص ۲۳۰) خانمه اکیلل را دو تألیف مستقل پنداشته اند.

طباشیر را دوبار در ذریعه (ج ۳، ص ۳۰۹ و ج ۱۵، ص ۱۴۵) با عنوان «التباشیر» و «طباشیر» نوشته است (ص ۱۵۲).

محمد جواد بن محمد حسینی عاملی

در کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۱۷) آمده است: مفتاح الکرامه هشت جلد است؛ با اینکه بیشتر است و ده جلد آن چاپ شده است (ص ۸۳).

محمد رفیع بن فرج گیلانی

ر. ک به: ملا رفیعا بن فرج گیلانی.

محمد زمان بن محمد رضا بن فتح الدین صحاف شوشتری

ملا محمد زمان بن ملا محمد رضا بن حاج فتح الدین صحاف شوشتری از شاگردان سید بوده است که در تذکرة شوشتر و اجازه کبیره مذکور نیست. کتاب شرائع و صحیفه سجادیه را نزد سید خوانده و استاد، دو اجازه بر دو کتاب نامبرده برای او نوشته است که صورت آنها چنین است:

۱. آنهاه الأخ الموفق المسدد العالم الكامل ذوالأخلاق الرضية والصفات المرضية المولى محمد زمان، سماع تحقیق فأجزته فی تدریسه کیف أراد. وكتب العبد المذنب نعمة الله الحسينی الجزائری أوائل شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة الخامسة والثمانین بعد الألف (۱۰۸۵) الهجرية حامداً مصلياً مسلماً.

۲. بسم الله الرحمن الرحيم. سمع هذه الصحيفة الشريفة مع ملحقاتها بقراءة الغير سماعاً أفصح عن بيان معانيها على ما وصل إليه فكرى الأخ الصالح الزكى التقى العالم العامل المولى محمد زمان الشوشترى أرقاه الله تعالى معارج الكمال وبلغه أقصى المطالب والآمال فأجزته روايتها وقراءتها أخذاً بطريقة الاحتياط المشروط علينا فى إجازاتها. وكتب المذنب الجانى نعمة الله الحسينى الجزائرى عفى عن جرائمه يوم الثلاثاء من شهر ذى الحجة سنة الثامنة والتسعين بعد الألف (۱۰۹۸) والحمد لله وصلى الله على محمد وآله الطاهرين.

نویسنده الكواكب المنتشرة (ص ۲۹۴) این دو اجازه را برای دو نفر پنداشته است و گفته است: «ملا محمد زمان بن محمد رضا بن حاج فتح الدین صحاف شوشتری از سید نعمت الله جزائری اجازه داشته، به اجازه ای که دیدم آن را بر صحیفه سجادیه مورخ ۱۰۹۸ و آن در آغاز جوانی او بوده؛ زیرا

سید عبدالله جزائری او را در تذکرة شوشتر نوشته، اما نه در شاگردان سید نعمت الله، بلکه در شاگردان سید نورالدین بن سید نعمت الله و درباره او گفته: در کمال تقوا و تعقّف و پرهیزکاری و زهد است سلمه الله تعالى. پس معلوم می شود در وقت تألیف تذکرة (سال ۱۱۶۴) زنده بوده و از معمرین بوده است و برادرزاده او که همنام اوست، از اساتید طب و نجوم و غیره بوده و در وقت تألیف تذکرة، او هم در قید حیات بوده اما همنام او که در ۱۰۸۵ از سید نعمت الله اجازه دریافت کرده پیش از او بوده است».

این مطلب الكواكب المنتشرة سراپا اشتباه است؛ زیرا در تذکرة شوشتر ملا محمد زمان را در شاگردان سید نورالدین نوشته است، بلکه پسر او محمد علی مذکور است و عبارت «در کمال تقوا و تعقّف ... سلمه الله تعالى» درباره او است؛ نه ملا محمد زمان.^{۱۳}

اینکه گفته اند: برادرزاده اش محمد زمان، در تذکرة شوشتر جزء اساتید طب و نجوم نام برده شده و در تاریخ تألیف آن کتاب (سال ۱۱۶۴) زنده بوده، آن هم نادرست است؛ زیرا آن شخص با آن مشخصات نوه محمد زمان است، نه برادرزاده اش. عبارت کتاب چنین است: «ملا محمد زمان بن ملا محمد علی [بن ملا محمد زمان] صحاف در مضمار کمالات، سابق و در فن طب و تنجیم، ماهر و حاذق است»^{۱۴} (ص ۲۶۶-۲۶۸).

محمد صالح بن عبدالواسع خاتون آبادی

یک نسب وی چنین است: میر محمد صالح (م ۱۱۲۶ ق) ابن عبدالواسع بن محمد صالح بن اسماعیل معروف به شاه مراد بن عمادالدین محمد بن حسن بن جلال الدین بن مرتضی بن حسن بن حسین بن شرف الدین علی بن مجدالدین محمد بن تاج الدین حسن بن شرف الدین حسین ابن عماد الشرف بن عباد بن محمد بن حسین بن محمد بن ابو عبدالله حسین بن ابوالحسن علی بن عمر الاکبر بن ابو محمد حسن الافطس بن ابوالحسن علی الاصغر ابن امام زین العابدین (ع).

نسب نامه فوق با مختصر توضیح درباره برخی از اسامی، در

۱۳. تذکرة شوشتر؛ ص ۱۳۲.

۱۴. همان، ص ۱۳۸.

مستدرک از محدث نوری پیروی کرده است.

سه) میر محمد صالح حدیقه سلیمانی را به فارسی به نام شاه سلیمان صفوی نوشته است. یک نسخه مورخ ۱۲۳۷ در ۲۳۰ صفحه موجود است. آغاز آن چنین است: «عقود لآلی فاخره آینه بی بی انتها چهره آرایی ...».

در ذریعه (ج ۶، ص ۳۸۵) و ریحانة الادب (ج ۱، ص ۳۶۸) با الف و لام به صورت «الحدیقه السلیمانی» نوشته اند. این اشتباه از روضات الجنات (ص ۱۹۸) ناشی شده است؛ زیرا صاحب ذریعه آن را ندیده و به واسطه کتاب مزبور نقل کرده است و همان، مدرک ریحانة الادب بوده است (ص ۳۷۲).

چهار) در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۳۸۶) در شرح حال میر محمد صالح ۲۶ کتاب او مذکور است؛ اما برخی از آنها مکرر و اشتباه است؛ از جمله «الانوار المشرقة» را به صورت «انوار المشرقة» نوشته است و با عنوان ششمین کتاب ذکر کرده است؛ با اینکه در شماره ۵ «ایمان و کفر» را نام برده است. شماره ۲۱ «رساله در اختلافات» است که صحیح آن «اختلافات» است (ص ۳۷۴).

پنج) کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، میر محمد صالح را داماد مجلسی اول دانسته است؛ با اینکه داماد مجلسی دوم بوده است. به نظر می رسد با ملا محمد صالح مازندرانی، داماد مجلسی اول اشتباه شده باشد (ص ۳۷۴).

شش) کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان، تاریخ وفات او را ۱۱۱۶ و قبرش را در ایوان العلماء نوشته است. گفتیم که وفاتش در ۱۱۲۶ بوده است و قبر نوه او میر عبدالباقی بن محمد حسین بن میر محمد صالح در ایوان العلماء است؛ چنان که در ماضی النجف و حاضرها (چاپ صیدا، ج ۱، ص ۶۳) مذکور است. قبر میر محمد صالح در نجف است، ولی معلوم نیست در آن ایوان باشد (ص ۳۷۵).

محمد طاهر بن کمال الدین لواف شوشتری

ملا محمد طاهر بن کمال الدین لواف شوشتری (م ۱۱۲۷ ق) مردی خوش خمیره و محبوب القلوب بود و حسن خطی داشت که به اجرت کتابت قناعت می نمود و از دریافت هدایا و صلوات اهل دنیا دوری می گزید. وی در سال ۲۷ وفات نمود. ۱۶ مقصود سال ۱۱۲۷ است، نه ۱۰۲۷ که بعضی گمان کرده اند (ص ۲۶۹-۲۷۰).

۱۵. اختلاج، جهیدن عضوی از بدن مثل پریدن پلک چشم یا جهیدن رگ است.

۱۶. تذکره شوشتر؛ ص ۱۲۷.

۱۷. اللآلی المنتظمه؛ ص ۱۱۳.

مکارم الآثار (ج ۱، ص ۱۲۹) مضبوط است.

الف) در الفیض القدسی و مستدرک الوسائل (ج ۳، ص ۴۸۶) و الکواکب المنتشرة (ص ۱۹۸) در شرح حال میر محمد حسین فرزند میر محمد صالح با اندک تفاوت منقول است؛ به این ترتیب که مرتضی را فرزند بی واسطه حسین نوشته اند و حسن را انداخته اند.

ب) در مستدرک، «عباد» را «عبادان» نوشته است.

ج) میر محمد صالح با ۲۵ واسطه به امام چهارم (ع) می رسد، نه نوه اش میر عبدالباقی که در ریحانة الادب (ج ۳، ص ۳۶۶) آمده است.

گفتنی است نوشته های مکارم الآثار در این گونه موارد از سایرین، دقیق تر و به واقع نزدیک تر است (ص ۳۷۰).

دو) وفات میر محمد صالح در ماه صفر ۱۱۲۶ رخ داد و مدفنش در نجف اشرف است و بنا به نوشته فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان (ص ۷۴) از کتاب آداب سنیه، در ماه رمضان ۱۱۲۰ فارغ شد.

صاحب اجازه کبیره در حاشیه اجازه فرموده است: «توفی عشر الثلاثین بعد المائة والالف» که با تاریخ مذکور سازگار است.

ذریعه (ج ۴، ص ۳۹۷) به نقل از مشجره خاتون آبادی ها، درگذشت او را پس از ۱۱۶۶ نوشته است و نیز در بعضی از صفحات و مجلدات دیگر آن و دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۳۸۶) و شهداء الفضیلة (ص ۲۳۴) و بعضی مواضع دیگر، اینگونه آمده است و نادرست است.

تردید بین دو تاریخ که در ریحانة الادب (ج ۳، ص ۳۶۸) مشاهده می شود، بی مورد است. منشأ این اشتباه محدث نوری است که در عبارت روضات الجنات (ص ۱۹۸) دقت نکرده است. در آنجا که گفته است: میر محمد صالح تا سال ۱۱۱۶ زنده بوده است؛ اما آن را تاریخ وفات پنداشته است. مستدرک (ج ۳، ص ۴۸۶) و دیگران هم از او بی واسطه یا با واسطه پیروی کرده اند و از حقیقت، دور افتاده اند (ص ۳۷۱).

یادآوری: الف) نمی توان گفت: تاریخ درگذشت میر محمد صالح پس از سال ۱۱۱۶ نادرست است، بلکه دقیق نیست؛ ب) نویسنده مستدرک، محدث نوری است و معنا ندارد بگوئیم

محمد علی بن محمد طاهر مدرس تبریزی

میرزا محمد علی بن محمد طاهر مدرس تبریزی - صاحب ریحانة الادب - بنا به نوشته فرزند او در مقدمه ریحانة الادب (ج ۴، ص ۳۹۵) یکم شعبان ۱۳۷۳ ق درگذشت. در کتاب مؤلفین کتب چاپی (ج ۴، ص ۳۹۵) به جای اول شعبان، ششم و در نقباء البشر (ج ۴، ص ۱۴۵۸) عید فطر ۱۳۷۳ آمده است که هر دو اشتباه است. منشأ اشتباه دوم، آن است که اول شعبان را اول شوال خوانده است (ص ۴۷۲).

محمد قاسم بن محمد رضا تبریزی

میرزا محمد قاسم بن محمد رضا تبریزی رساله ای در حرمت غنا نوشته است و فتاوی جمعی از معاصران خود را که گویا مقصود فیض و پیروانش باشند - که غنا را در قرآن حلال دانسته اند - بدعت شمرده است. شرح حال این شخص در کتاب دانشمندان آذربایجان (ص ۳۰۵) موجود است و کتاب الصراط المستقیم و فضائل الائمه از آن اوست.^{۱۸}

علامه تهرانی او را با میرزا ابو جعفر محمد قاسم بن محمد رضا هزار جریبی اصفهانی یکی دانسته است؛ اما به نظر ما دو نفرند. هزار جریبی صاحب این آثار است: التحفة الاحمدیه، شرح عینیة سید اسماعیل حمیری (در ذریعه ذکر نشده)، فواید ضروریه، المزار (در سال ۱۱۳۲ آن را وقف کرده است). (ص ۳۷۹ - ۳۸۰).

محمد قاسم بن محمد رضا هزار جریبی

یک ابو جعفر محمد قاسم صاحب کتاب المزار است که در سال ۱۱۳۲ آن را وقف کرده است.

در الذریعه (ج ۳، ص ۴۱۳) نام این کتاب به اشتباه «المراء» چاپ شده است، ولی در ذریعه (ج ۲۰، ص ۳۲۵) با عنوان «مزار الهزار جریبی» مفصلاً بیان شده است (ص ۳۸۰).

دو خود و پدرش از علامه مجلسی اجازه داشته اند. در ذریعه (ج ۱۶، ص ۳۴۶) عبارت چنین است: «... کما ان والد المولی محمد رضا أيضاً أجز من المجلسی فی ۱۰۸۹».

افتادگی ضمیر در عبارت فوق، سبب خلل شده است و باید چنین باشد: «کما أن والده ...» (ص ۳۸۰).

سه نیز ر. ک به: محمد قاسم بن محمد رضا تبریزی.

محمد مجاهد بن علی طباطبایی

در ذریعه، مختصر مناهل را از سید محمد مجاهد دانسته، فرموده است: مختصر را شاگردش شیخ حسین ترجمه کرده و به خط مترجم نزد سید محمد جزائری موجود است.^{۱۹}

این مطلب اشتباه است؛ زیرا مختصر مناهل از سید مجاهد نیست، بلکه از شیخ حسین است و نزد انبجانب همان مختصر عربی است (ص ۳۸۹).

و ر. ک به: محمد بن علی بن حسین موسوی حسینی عاملی.

محمد مهدی بن عبدالحسین جواهری

امیر الشعراء محمد مهدی جواهری - برادر شیخ عبدالعزیز -

متولد ۱۳۱۷ است و اکنون حیات دارد و مقیم دمشق است.

در شعراء الغری (ج ۱۰، ص ۱۳۹ - ۲۱۶) از او یاد شده است، اما ولادت او را ۱۳۲۰ نوشته است (ص ۴۸۴).

محمد نجار بن علی بن حسین شوشتری

یک شیخ محمد نجار (م ۱۱۴۰/۱۱۴۱ ق) یک نور از انوار النعمانیه را که تحفة الملوک نام دارد، ترجمه کرده است و در موضوع سیره ملوک است. علامه تهرانی آن را ندیده و دوبار به عنوان «سیر الملوک» و «رسالة فی السیر والسلوک» معرفی کرده است.^{۲۰} عنوان دوم، تکرار و نادرست است (ص ۳۰۳).

دو صاحب اللآلی المنتظمه (ص ۱۱۳) وفات شیخ محمد نجار را در ۱۰۴۱ نوشته است و پدرش را «علامه» توصیف نموده، او را از اولاد صاحب تفسیر سوره یوسف پنداشته است.

این سخن، اشتباه در اشتباه است؛ زیرا وفات او در سال ۱۱۴۱ بوده است. معلوم نیست پدرش اهل علم باشد؛ صاحب تفسیر مذکور، برادر اوست (ص ۳۰۵).

محمد هادی بن محمد مرعی شوشتری

تذکره دشوشتتر (ص ۱۲۸) در معرفی میر محمد هادی بن میر سید محمد مرعی شوشتری - برادر میرزا ابو القاسم - می گوید: «مستجمع محامد صفات رضیه و مکارم اخلاق بهیه بود و خطی، به غایت نیکو داشت که ارباب سلیقه از بلاد بعیده طالب بودند و در سال سی و هفت وفات نمود».

مقصود ۱۱۳۷ است نه ۱۰۳۷ که در اللآلی المنتظمه (ص ۱۱۳) توهم کرده است (ص ۳۱۹).

محمد همدانی ملقب به امام الحرمین

آیت الله مرعی نجفی در الاجازة الکبیره (ص ۴۰۶) غنیمة السفر تألیف میرزا محمد همدانی را جزء تألیفات شیخ جعفر نوشته است که اشتباه است (ص ۳۹۱).

۱۸. ذریعه؛ ج ۱۵، ص ۳۷ و ج ۱۶، ص ۲۵۲.

۱۹. همان، ج ۲۰، ص ۲۱۲.

۲۰. همان، ج ۱۲، صص ۲۷۸ و ۲۸۳.

در تاریخ یک هزار و سی و یک هجری شروع در این امر نمود.
کتاب در سال ۱۲۸۴ چاپ شده است (ص ۱۱۴).

ملارفعای بن فرج گیلانی

ملارفعی یا محمد رفیع بن فرج مشهور به ملارفعای گیلانی،
مقیم مشهد مقدس و دانشمندی عظیم الشان بود. حدود صد
سال عمر کرد و تقیه شدید می نمود.

یک) در فوائد الرضویه (ج ۲، ص ۵۳۵) شرح حالش را به
عنوان رفیع بن فرج و محمد رفیع بن فرج آورده است، اما در
اواخر آن، او را با محمد رفیع بن مؤمن جیلی مذکور در
بحار الانوار اشتباه کرده است. (ص ۴۰۵-۴۰۶).

دو) در پاورقی لؤلؤة البحرين (ص ۹۰) شرح حالش
آمده؛ اما دچار اشتباهاتی شده. او را با میرزا رفیعای نایینی
مذکور در سلافة العصر اشتباه کرده است و نام پدرش را «فرخ»
نوشته و گفته است با تشدید راء و خاء است. گویا عبارت را از
خاتمه مستدرک (ص ۳۹۵) برداشته که غلط چاپی است. در
برخی اشعارش نیز به نام پدر خود تصریح کرده است؛ از جمله
در تخمسی که در منقبت چهارده معصوم (ع) دارد، چنین
گفته است:

خوشا حال کسی کو چاکر صاحب زمان باشد
ز لطف شاه مردان در دو عالم در امان باشد
«رفیعای فرج» چون ماح شاه جهان باشد
چه غم دارد به عقبی چون یکی از چاکران باشد
و غزلی دارد با این مطلع:

روح مقدس همه در سوی تو
خاک نشینان سر کوی تو

آخرش چنین است:

بنده تو هست «رفیع فرج»
ورد زبان حمد و ثنا گوی تو

مخمسی دارد در مدح امیر مؤمنان (ع):

دلا از خود چه می ترسی امام رهبری داری
ز خاک پای قنبر بر سر خود افسری داری
ز مهر خواهی اش بر دل تو نور انوری داری
مترس از اژدر سرکش که همچون حیدری داری
که چون شیر خدا ای دل امام سروری داری

در آخرش فرموده است:

«رفیعای فرج» را گرچه از عصیان، گران بار است
ز خوف معصیت، دایم به درد و غم گرفتار است

۲۱. ترجمه المنن و المواهب الاحدیة؛ ص ۲۷ (ضمیمه رساله اسدیة).

محمود بن احمد عینی

بدرالدین ابومحمد محمود بن احمد عینی، شرح شواهد
الفیه موسوم به فوائد القلائد معروف به الشواهد الصغری را
نوشته. در کشف الظنون (ج ۲، ص ۱۰۶۶) آن را در حرف
شین نوشته، نه در حرف فاء؛ اما در فهرست کتابخانه مجلس
(۱۷۴/۱/۹) می گوید: «در کشف الظنون از آن با عنوان
«فوائد القلائد» یاد شده است» (ص ۳۳۸).

مرتضی آل یس کاظمی

آقای برقی (م ۱۴۰۷ ق) در کتاب شیعه یا پدید آورندگان
علوم اسلامی که ترجمه الشیعه و فنون الاسلام، تألیف علامه
متبع سید حسن صدر (م ۱۳۵۴ ق) است، شرح حال صدر را در
اول کتاب آورده و چون مرحوم شیخ مرتضی آل یس کاظمی (م
۱۳۹۸ ق) خواهرزاده علامه صدر بود و در مقدمه اصل آن کتاب
که در سال ۱۳۳۱ چاپ شده است، شرح حال مؤلف را نوشته،
آقای برقی از ایشان نامی برده، ولی به «فقید دانشمند مرحوم
مرتضی آل یس» تعبیر کرده است؛ در حالی که او تا سال ۱۳۹۸
در حیات بود (ص ۴۵۲).

یادآوری: جا داشت حجت الاسلام جزائری تاریخ ترجمه
کتاب به وسیله برقی را ذکر می کرد تا دانسته شود این کتاب در
زمان حیات آل یس نوشته شده است.

مرتضی بن محمد امین انصاری دزفولی

ر. ک به: شیخ انصاری.

مصطفی امامزاده

حاج سید مصطفی امامزاده (م ۱۳۸۳ ق) گلستان پیغمبر را
در سال ۱۳۷۳ ق تألیف و چاپ کرد. آقای مرعشی نجفی در این
زمینه مرکب چند اشتباه شده است:

- از کتاب به صورت «گلزار پیغمبر» نام برده است؛

- تاریخ تألیف را ۱۳۷۴ نوشته است؛

- در گذشت مؤلف را ۱۳۸۴ ضبط کرده است^{۲۱} (ص ۴۸۶).

مظفر بن محمد قاسم منجم

در الذریعه (ج ۴، ص ۴۵۲) و فهرست کتاب های چاپی
فارسی (ج ۱، ص ۴۵۱) آمده است: تنبیهات المنجمین،
نوشته ملامظفر بن محمد قاسم منجم در سال ۱۰۲۴ تألیف شد.
این مطلب نادرست است؛ زیرا در مقدمه آن می خوانیم: «تا آنکه



نمی ترسد ز دوزخ لیک خوف او ز جبار است
خطاب آید و را از حق، حسابت نزد کرار است
که چون از خاک درگاه علی تاج سری دارد (ص ۴۰۶).

ملارفع بن فرج گیلانی

ر. ک به: ملارفع ابن فرج گیلانی.

ملا عبدالله

سه ملا عبدالله سراغ داریم که گاهی میان آنها اشتباه می شود:

الف) سید نعمت الله جزائری در غایة المرام بیشتر گفته های ملا عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) را در حاشیه اش بر تهذیب به عنوان «قال الفاضل التستری» یا «قال الفاضل المحشی» آورده است.

او صاحب مدرسه علمیه در اصفهان و استاد مجلسی اول و دیگران است. کتابی به نام جامع الفوائد دارد که تمه جامع المقاصد کرکی است. یک جلد آن در «طهارة و صلوة و زکاة و خمس و صوم و اعتکاف» است و در نجف تألیف شده است و در آخرش به خط مؤلف تاریخ ۱۰۱۴ آمده است.

ب) ملا عبدالله بن محمود شوشتری که در بخارا در ۹۹۷ شهید شد.

ج) ملا عبدالله بن حسین یزدی صاحب حاشیه بر تهذیب است.

صاحب تذکره شوشتر (ص ۵۳) و سیدعلی خان در سلافة العصر (ص ۴۹۱) و محبی سنی در خلاصة الاثر (ج ۳، ص ۴۰) افراد فوق را با یکدیگر خلط کرده اند و بعضی وفات نفر اخیر را به اشتباه ۱۰۱۵ نوشته اند.

سید مصلح الدین مهدوی (م ۱۴۱۶ ق) بهترین شرح حال را برای ملا عبدالله شوشتری در تاریخچه محله خواجه (ص ۳۵-۵۲) بیان داشته است (ص ۷۸).

منصور بن حسین آبی

ابوسعید منصور بن حسین آبی - وزیر مجدالدوله بویه - از بزرگان آوه است. کتاب بسیار نفیس نثر الدر از آثار اوست که اخیراً در هفت جلد در مصر چاپ شده است؛ اما احیاکنندگان در آن، تصحیف و تحریف کرده اند. پس از نام رسول اکرم، «صلی الله علیه وسلم» بدون «وآله» و پس از نام هر امام به جای «علیه السلام»، «رضی الله عنه» نوشته اند و بعد از نام هریک از خلفا، جمله مذکور را آورده اند که مغایر عمل مؤلف است. سخنان ائمه (ع) را تا امام نهم آورده اند و از سه امام دیگر نام نبرده اند.

ما یقین داریم که این کار از مؤلف نبوده و او سخنان دوازده

امام (ع) را آورده است.

تاریخ وفات مؤلف را بر تمام مجلدات، ۴۲۱ ق نوشته اند؛ در حالی که او تا سال ۴۳۲ ق زنده بود، و از شاگردان شیخ طوسی بوده است. اصول چاپی موجود از اصول چهارصدگانه را از روی خط وی چاپ کرده اند (ص ۳۴۴-۳۴۵).

یادآوری: جا داشت حجت الاسلام جزائری در این مورد توضیح و دلایل بیشتری اقامه می کرد. به صرف اینکه نویسنده ای در گذشته های دور شیعه بوده، دلیل نمی شد که او تعابیری چون: «صلی الله علیه وسلم» و «رضی الله عنه» را به کار نبرده باشد.

میرداماد

میرداماد - متخلص به اشراق - در سال ۱۰۴۱ درگذشت. به طوری که در تذکره نصرآبادی (ص ۴۸۲) و سلافة العصر (ص ۴۷۸) و امل الآمل (ج ۲، ص ۲۴۹) که نزدیک به عصر او بوده اند و همچنین در حاشیه اجازه کبیره، الدرّة النثیرة (ص ۸) و ذریعه (ج ۹، ص ۷۶) و اعیان الشیعة (ج ۴۴، ص ۱۱۳) آمده است، ماده تاریخ وفات او چنین است: «عروس علم و دین را مرد داماد».

در برخی مصادر که به روضات الجنات (ص ۱۱۶) منتهی می گردند، ۱۰۴۰ نوشته اند که مطابق «عروس علم دین را مرده داماد» است و آن تصحیف مصرع پیش گفته است.

در ریحانة الادب (ج ۴، ص ۱۲۱) مطابق «الراضی» مذکور در نخبة المقال، احتمال ۱۰۴۲ را هم داده است؛ اما بی وجه است چه آنکه گوینده آن هم مانند صاحب روضات متأخر بوده و احتمال غلط چاپی «الراضی» و صحت «الرضی» وجود دارد. عجیب تر آنکه سفینه خوشگو تخلص او را «اشرف» و وفاتش را ۹۹۰ مطابق «عروس ملک دین را مرده داماد» نوشته است که تصحیف و غلطی آشکار است (ص ۱۴۲-۱۴۳).

میرعالم بن رضی الدین بن نورالدین

ر. ک به: عبداللطیف بن ابوطالب بن نورالدین.

نصرالله بن حسین حائری

صاحب روضات (ص ۷۲۷) به آقا سید عبدالله جزائری نسبت داده است که او فرمود: «استشهد [سید نصرالله حائری شهید] فیما بین الخمسین و الستین».

بخش اول لغزش های مربوط به کتاب های سید یا آثار منسوب به او را می آوریم و در بخش دوم، موارد دیگر را ذکر می کنیم.

بخش اول: آثار سید

الانوار النعمانیة

یک) بعضی نام آن را انوار نعمانی نوشته اند^{۲۲} و آن مسامحه است (ص ۴۷).

یادآوری: تمام کتاب های سید نعمت الله جزائری به عربی است.

دو) در اعیان الشیعه، الانوار العثمانیة آمده که غلط چاپی است (ص ۴۷).

سه) در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی (ج ۵، ص ۳۰) گفته است: آغاز آن «بحمدہ وبنعمتہ» است. عبارت صحیح «نحمدہ بنعمتہ علی نعماتہ ...» (ص ۴۷).

انیس الوحید

سید نعمت الله جزائری انیس الوحید را در شرح توحید صدوق نوشت و در مقدمه آن و در زهر البیع^{۲۳} از کتاب خود به صورت «انیس الوحید» نام برده است.

یک نسخه آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. نسخه ای دیگر در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران است که مؤلف فهرست، نام آن را مردد بین انیس الوحید یا انیس الوحید دانسته است.^{۲۴} علامه تهرانی انس الوحید ضبط کرده است.^{۲۵}

انس الوحید اشتباه است و مدرک آنان، گفته صاحب ریاض العلماء در شرح حال سید نعمت الله است.^{۲۶} صاحب ریاض العلماء در شرح حال سید نعمت الله می گوید: «کتاب شرح توحید صدوق که آن را انس الوحید نامیده، مشتمل بر فوائد جلیله است و تألیف آن متأخر از بیشتر مؤلفات اوست؛ و سبقت گرفته بر او در این اسم (انس الوحید)، میر محمدعلی نائب الصداره در قم».^{۲۷}

گویا کتاب نائب الصداره انس الوحید داشته و آن هم در شرح توحید بوده است؛ لذا صاحب ریاض در اثر ارتسام آن در ذهن، این اشتباه را کرده است.

علامه تهرانی جمله «مشتمل بر فوائد جلیله» در کلام صاحب ریاض را به صاحب اجازه و تحفة العالم نسبت داده است و این

آن گاه مقصود او را چنین بیان داشته است: «یعنی بعد المائة والالف من هجرة سيد النبيين».

این نسبت به سید مزبور درست نیست؛ زیرا در اجازه کبیره چنین چیزی وجود ندارد.

در شهداء الفضیله شهادتش را در سال ۱۱۵۴ نقل کرده است؛ با اینکه در صفحه بعد فرموده است: سید رضی الدین به وی اجازه داده و تاریخ آن اجازه، سال ۱۱۵۵ بوده است.

اعیان الشیعه آن را مردد بین ۱۱۵۳ و ۱۱۵۵ نوشته است؛ با اینکه در صفحه ۱۵۲ اشعاری از او آورده که در سال ۱۱۵۵ گفته است (ص ۴۰۷).

یادآوری: این امکان وجود دارد که شخصی در سال ۱۱۵۵ شعر بگوید یا اجازه بگیرد و در همان سال هم از دنیا برود.

نظر علی زجاجی شوشتری

یک) تذکره شوشتتر (ص ۱۲۸) ملا نظر علی زجاجی بن خواجه محمدامین شوشتری را چنین ستوده است: «حاوی صنوف کمالات و مفاخرات و مستجمع صفای باطن و ظاهر بود. طبعی به غایت لطیف و نفسی عقیف داشت و فقیر، کتاب مفاتیح را نزد او خوانده ام و در سال چهل و شش وفات نمود و یک پسر از او مخلف شد که الحال در نهاوند است، ملا عبدالکریم».

مقصود ۱۱۴۶ است نه ۱۰۴۶ که صاحب اللاکلی المنتظمه (ص ۱۱۴) توهم فرموده است؛ زیرا تولد صاحب تذکره شوشتتر در سال ۱۱۱۲ بوده و نشاید که وفات استاد او در ۱۴۰۶ باشد و نیز تاریخ تألیف آن کتاب بین ۱۱۶۴ و ۱۱۶۹ بوده است که در آن تاریخ، ملا عبدالکریم فرزند ملا نظر علی زنده بوده و خود گزینه ای دیگر بر عدم صحت تاریخ مزبور است (ص ۳۱۷).

یادآوری: در ملحقات احقاق الحق (ج ۱، ص ۱۱۴) سال ۱۰۴۶ است.

دو) صاحب اللاکلی المنتظمه از ملا نظر علی دوبار نام برده است و بار دوم وفات او را در سال ۱۱۴۶ نگاشته است، اما لقب او را ننوشته و او را غیر از زجاجی پنداشته است (ص ۳۱۷).

نعمت الله بن عبدالله موسوی جزائری

نظر به فراوانی لغزش ها در مورد سید نعمت الله جزائری، برای سهولت دستیابی، آنها را به دو بخش تقسیم کردیم. در

۲۲. تذکره القبور؛ ص ۳۴۹ و رجال اصفهان؛ ص ۴۴.

۲۳. زهر البیع؛ ج ۲، ص ۲۰۸.

۲۴. فهرست کتابخانه مجلس؛ ۴۹۵/۱/۱۰.

۲۵. ذریعه؛ ج ۲، ص ۳۶۹.

۲۶. ریاض العلماء؛ ج ۵، ص ۲۵۴.

۲۷. ریاض العلماء؛ ج ۵، ص ۲۵۴.



اشتباه است. ۲۸.

یکی از فهرست‌نویسان معاصر گفته است: نام انس الوحید در کشف الحجب والاستار مذکور است. ۲۹ این هم اشتباه است و انس الوحید در آن کتاب تألیف شخصی دیگر و در موضوعی دیگر است. ۳۰

مدرس با اینکه تصریح کرده است: انس الوحید و شرح توحید یکی هستند، ولی انس الوحید را نخستین و شرح توحید را چهاردهمین تألیف سید نعمت‌الله قرار داده است و برای یک کتاب دو شماره داده است ۳۱ (ص ۵۰).

یادآوری: در این مصادر نیز به صورت انس الوحید ضبط شده است: الذریعه (ج ۴، ص ۴۸۲ و ج ۲۴، ص ۳۶۳) و مقدمه نور البراهین (ج ۱، ص ۳۳).

البحور الزاخره

سید نعمت‌الله جزائری در آغاز حاشیه‌اش بر نهج البلاغه از اثر دیگرش به نام «البحور الزاخره فی شرح اخبار العترة الطاهرة» یاد کرده است و این عنوان، نامی دیگر برای غایة المرام است؛ چنان که در آخر جلد چهارم و ششم تصریح کرده است، اما شیخ آقابزرگ تصور کرده نام دیگر مقصود الانام است ۳۲ (ص ۵۲).

سید نعمت‌الله دو شرح بر تهذیب الاحکام دارد: یکی مقصود الانام که دوازده جلد است و دیگری غایة المرام که مختصر مقصود الانام می‌باشد (صص ۷۷ و ۱۱۹).

تعريفات

صاحب فهرست دانشگاه تهران، رساله تعریفات را به سید نعمت‌الله جزائری نسبت داده است و گفته فارسی است. ۳۳ این نسبت اشتباه است و از سید نعمت‌الله دیگری بوده است. سید نعمت‌الله جزائری تألیف فارسی ندارد (ص ۶۳).

جنگ

یکی از معاصران در آخر کتاب تذکرة الاخيار داعی دزفولی که درباره مزارات دزفول است، راجع به مرقد سبز قبای دزفول و اعتبار آن مطلبی نوشته و مدرک خود را کتاب جنگ، به خط سید نعمت‌الله قرار داده است. پس از تحقیق معلوم شد جنگ کذابی وجود خارجی ندارد (ص ۵۳).

جواز العمل

جواز العمل بکتاب الفقهاء تألیف سید نعمت‌الله جزائری، همان منبع الحیاة است، ولی بعضی آن را کتابی دیگر پنداشته‌اند ۳۴ (ص ۵۳).

الجواهر الغوالی

سید نعمت‌الله جزائری کتاب الجواهر الغوالی (یا مدینه الحدیث) را در شرح عوالی اللاکلی تألیف ابن ابی جمهور

احساسی نوشت. شرح حال و گراور خط او، در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. ۳۵ در این شرح، تصریح شده است: «عوالی» با عین بی نقطه و جمع «عالیه» است؛ از این رو نام شرح با عین نقطه دار است، ولی بسیاری کتاب عوالی اللاکلی را با عین نقطه دار پنداشته‌اند ۳۶ (ص ۵۳).

حاشیه شرح جامی

سید نعمت‌الله جزائری حاشیه شرح جامی بر کافیه‌ها تا آخر مبحث اسم، در یک جلد تدوین کرده است. از این کتاب به صورت‌های گوناگون یاد کرده‌اند که مقصود همه، یکی است: حاشیه شرح جامی، ۳۷ حاشیه جامی، ۳۸ حواشی جامی، ۳۹ شرح کافیه ۴۰ و تعلیقه بر شرح جامی. ۴۱

بعضی به اشتباه گمان کرده‌اند «حاشیه شرح جامی» و «شرح کافیه» دو تألیف مستقل هستند و آن را به صورت دو عنوان نوشته‌اند ۴۲ (ص ۵۶).

۲۸. ذریعه؛ ج ۲، ص ۳۶۹.

۲۹. فهرست کتابخانه مجلس؛ ۱۰/۱/۴۹۶. ۳۰. کشف الحجب والاستار؛ ص ۶۳.

۳۱. ریحانة الادب؛ ج ۲، ص ۲۵۴.

۳۲. ر. ک به: ذریعه؛ ج ۳، ص ۵۰ و ج ۱۳، ص ۱۵۸ و ریحانة الادب؛ ج ۲، ص ۲۵۴.

۳۳. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ ۲۱۲: ۸ (ضمن مجموعه شماره ۱۶۲۸).

۳۴. ذریعه؛ ج ۵۵، ص ۲۴۴ و ریحانة الادب؛ ج ۲، ص ۲۵۴.

۳۵. فهرست کتابخانه رضویه؛ ج ۴، ص ۲۳۷.

۳۶. مانند صاحب کشف الحجب والاستار (ص ۳۴۳).

۳۷. زهر الربیع؛ ۲۰۹: ۲. حواشی امل الآمل. تذکرة شوشتر؛ ص ۵۸ و تحفة العالم؛ ص ۹۷.

۳۸. اجازة کبیره.

۳۹. امل الآمل؛ ج ۲، ص ۳۳۶. ایجاز المقال و فوائد الرضویه؛ ص ۶۲۴.

۴۰. الانوار النعمانیة؛ ص ۴۷۱. کشف الحجب والاستار؛ ص ۳۴۹ و هدیه العارفین؛ ج ۲، ص ۴۹۷.

۴۱. قصص العلماء.

۴۲. ر. ک به: ذریعه؛ ج ۶، ص ۵۷ و ج ۱۴، ص ۳۱. فوائد الرضویه؛ ص ۶۲۴ و ریحانة الادب؛ ج ۲، ص ۲۵۴.

ریاض الابرار

سید نعمت الله جزائری کتاب ریاض الابرار را در سه جلد نگاشت. علامه تهرانی فرموده است: تاریخ فراغ از ریاض الابرار شعبان ۱۱۱۰ ق بوده است. ۵۲

اما تاریخ مزبور مربوط به [کتابت] جلد سوم است که آقا بزرگ آن را دیده است. در نسخه آن به خط سید علی و نسخه های دیگری که دیده ایم، تاریخ تألیف موجود نیست (ص ۶۶).

زهر الربیع

یک) زهر به فتح اول و سکون دوم بر وزن تمر را، شکوفه گویند. آن اسم جنس است که برای مفرد آن تاء اضافه می شود. اینکه بسیاری از عوام، بلکه خواص آن را با ضم اول و فتح دوم بر وزن هنر تلفظ می کنند، غلط است؛ زیرا به معنای سه شب اول ماه است که با جزء دوم نام و موضوع کتاب بی مناسبت است (ص ۷۰).

دو) در آغاز جلد اول می نویسد: «سمیناه زهر الربیع لما فيه من المقال البديع».

به طوری که مشاهده می شود «لما فيه» تا آخر، علت نامگذاری است نه جزء نام کتاب. بغدادی توهم کرده است که عنوان «زهر الربیع لما فيه من المقال البديع» است ۵۳ (ص ۶۷).

سه) یکی از معاصران موضوع زهر الربیع را ادبیات معرفی کرده است ۵۴ که ظاهراً با انوار الربیع اشتباه نموده است (ص ۶۷).

چهار) دیگری توهم کرده که بیش از دو جلد بوده و دو جلد آن در ادب است و چاپ نشده است؛ ۵۵ در حالی که تنها دو جلد

۴۳. کشف الحجب والاسرار؛ ص ۳۹۴. ۴۴. ذریعه؛ ج ۶، ص ۲۱۲؛ ج ۱۴، ص ۷۴ و ج ۱۶، ص ۶۲.

۴۵. تذکره شوشتر؛ ص ۵۸ و تحفة العالم؛ ص ۹۷.

۴۶. ریاض العلماء؛ ج ۵، ص ۲۵۶.

۴۷. ذریعه؛ ج ۶، ص ۲۲۸. این اشتباه در مصادر نهج البلاغه؛ ج ۱، ص ۲۸۸ نیز آمده است.

۴۸. ر. ک به: الغدير؛ ج ۴، ص ۱۹۰. تاریخ نجف اشرف و حیره؛ ص ۷۹ و مصادر نهج البلاغه؛ ج ۱، ص ۲۸۸.

۴۹. کشف الحجب والاسرار؛ ص ۲۲۳.

۵۰. ذریعه؛ ج ۱۰، ص ۷۴.

۵۱. ایضاح المکنون؛ ج ۱، ص ۶۱۷.

۵۲. ذریعه؛ ج ۱۱، ص ۳۱۶.

۵۳. ایضاح المکنون؛ ج ۱، ص ۶۱۷.

۵۴. فهرست کتابهای چاپی غربی؛ ۵۰۷ و مؤلفین کتب چاپی؛ ج ۶، ص ۶۲۹.

۵۵. الاعلام؛ ج ۹، ص ۱۲. در مقابل نام کتاب «خ» گذاشته که علامت

مخطوط بودن و چاپ نشدن کتاب است، اما در چاپ اخیر هشت

جلدی (ج ۸، ص ۳۹) به جای خ، ط دیده می شود که اشاره به چاپ آن

است، اما عبارتی دارد که موهوم آن است که جلد یا جلد های دیگری

دارد که خطی است و چاپ نشده و این اشتباه است.

حاشیه مغنی اللیب

سید نعمت الله جزائری اثری به نام حاشیه مغنی اللیب در یک جلد دارد. کتوری آن را الغناء نامیده ۴۳ و علامه تهرانی با این نام از آن یاد کرده است؛ ۴۴ ولی صحت این نام ثابت نیست و به نظر می رسد به خط کاتبی، بر پشت نسخه کتوری بوده است (ص ۵۷-۵۸).

حاشیه نهج البلاغه

سید نعمت الله جزائری حواشی ای در حاشیه نهج البلاغه نوشته است و آن را «الحواشی الضافیه والموازین الوافیه» نامیده است که به عنوان حواشی در شرح حال او نوشته اند. ۴۵ در این مورد چند اشتباه رخ داده است:

الف) صاحب ریاض العلماء در اوایل شرح حال سید نعمت الله گفته است: «او را شرحی است بر نهج البلاغه که در حواشی آن کتاب نوشته شده».

در اواخر شرح حال سید گفته است: «مؤلفات دیگری داشته که از آنها است: حواشی او بر نهج البلاغه که به سبک حواشی قرآن نوشته است». ۴۶

متعدد دانستن شرح و حواشی بر نهج البلاغه از سوی صاحب ریاض اشتباه است. مقصود او از سبک حواشی قرآن، آن است که این شرح در مجلدی تدوین نشده، بلکه در حواشی نهج البلاغه نوشته شده است و این هم دلیلی بر اتحاد آن دو است (ص ۶۲).

ب) علامه تهرانی وعده داده که حاشیه نهج البلاغه را به عنوان شرح بنویسد، ۴۷ ولی از قلم وی افتاده یا در چاپ سقط شده است (ص ۶۲).

ج) علامه امینی و بعضی دیگر به اشتباه فرموده اند که این شرح در سه جلد است. ۴۸

ربیع الابرار

یک) بعضی ربیع الابرار را به سید نعمت الله جزائری نسبت داده اند ۴۹ و علامه تهرانی احتمال داده که با ریاض الابرار اشتباه شده است، ۵۰ ولی به طور قطع همان است نه احتمال (ص ۶۳).

دو) در ایضاح المکنون عنوان «ربیع الابرار» را به صورت «ربیع الاسرار» نوشته است ۵۱ (ص ۶۷).



است و هر دو جلد چاپ شده است.

پنج) در چاپ نجف بسیاری از مطالب زهر الربیع را انداخته اند و تحریف کرده اند (ص ۶۸).

شش) در فهرست کتاب های چاپی عربی، صفحه ۵۰۷، سال ۱۳۷۳ که سال چاپ جلد دوم است، تاریخ چاپ جلد اول گمان شده است. چاپ جلد اول در نجف سال ۱۳۷۵ است (ص ۶۸).

هفت) در زهر الربیع فصلی جداگانه برای بیان آثار مجلسی اختصاص یافته است، اما از نسخه چاپی افتاده و در نسخه خطی مؤلف و ترجمه کتاب، چاپ بمبئی، صفحه ۳۶۷ موجود است (ص ۱۴۶).

زیج الغ بیك

سیدجعفر غضبان در کتاب ترجمه فلاسفة الشیعه، سید نعمت الله جزائری را صاحب زیج الغ بیك معرفی کرده است و آن اشتباه است؛ زیرا این نام منصرف به سید نعمت الله جزائری است و این کتاب تألیف او نیست.

صاحب زیج، نوه او سید نعمت الله بن سید نورالدین بن سید نعمت الله (م ۱۱۵۱) معروف به سید آغایی است که صاحب زیج محمدشاهی بوده نه زیج الغ بیك. یک نسخه از زیج او مورخ ۱۲۲۷ به شماره ۱۶۱۵ در کتابخانه امیرالمؤمنین (ع) در نجف اشرف موجود است (ص ۴۲۳).

شرح اعتقادات صدوق

صاحب ایجاز المقال - معاصر سید نعمت الله - شرح اعتقادات صدوق را به سید نسبت داده است و می گوید: «هنگام تألیف این کتاب (ایجاز المقال) در ذی القعدة ۱۰۹۹ سید مشغول شرح عقائد ابن بابویه است».

صاحب ریاض العلماء در شرح حال سید نعمت الله جزائری، تمام عبارت ایجاز المقال را نقل کرده، در اواخر می گوید: از شخصی مورد اعتماد شنیدم که شرح اعتقادات صدوق هم از مؤلفات اوست.

گویا در اواخر شرح حال، عبارت ایجاز المقال را فراموش کرده است. علامه تهرانی فرموده است: شرح اعتقادات صدوق در فهرست مؤلفات سید نعمت الله مذکور است. ۵۶

مقصود [از شرح اعتقادات صدوق] ایجاز المقال یا ریاض الابرار است؛ زیرا خود سید از چنین شرحی نام نبرده و در اجازه کبیره و تذکره شوشتر و تحفة العالم نیز مذکور نیست (ص ۷۱). یادآوری: ایجاز المقال از آثار سید نیست تا دیگران آن را با شرح اعتقادات صدوق اشتباه گرفته باشند. ایجاز المقال از آن شیخ فرج الله حویزی است.

شرح تائیه دعبل

علامه امینی شرح تائیه دعبل را به سید نعمت الله جزائری نسبت داده است ۵۷ و صاحب ذریعه از او نقل کرده است، ۵۸ اما نزد ما چنین نسبتی ثابت نیست (ص ۷۱-۷۲).

شرح روضه

علامه تهرانی فرموده است: «از تحفة العالم معلوم می شود که سید دو شرح بزرگ و کوچک بر روضه دارد!» ۵۹ اما از تحفة العالم (ص ۹۷) معلوم می شود یک شرح بر روضه و دو شرح بر صحیفه دارد؛ زیرا عبارت چنین است: شرح روضه کافی. شرح صحیفه کبیر و صغیر (ص ۱۲۶).

عقود المرجان

عقود المرجان از آثار سید است و آن تفسیری در حواشی قرآن مجید و برگرفته از تفاسیر معتبر خاصه و عامه است. استاد تهرانی فرموده است: «نام آن العقود والمرجان است» و به این نام آن را یاد کرده است. ۶۰

در نسخه خطی الکو اکب المنتثره به عنوان «تفسیر القرآن» نوشته است؛ اما در نسخه چاپی (ص ۷۸۸) به «الحواشی علی القرآن - العقود والمرجان» تبدیل شده است.

عنوان صحیح این کتاب، «عقود المرجان» است که خود مؤلف نوشته و در نسخه های متعدد به آن تصریح شده است (ص ۷۵-۷۶).

غایة المرام

یک) سید نعمت الله جزائری غایة المرام را در شرح تهذیب شیخ طوسی نوشت. جلد سوم، دو جزء دارد. جزء اول در صلاة است و در آغاز آن گوید: «لما وفق الله سبحانه للفراغ من الاجزاء الاربعة (الثلاثة ط) من شرح تهذیب الحدیث اردنا الشروع في هذا الجزء الخامس (الرابع ط)».

مقصود از اجزاء در عبارت فوق، اجزای تهذیب است که جزء پنجم آن، جلد سوم شرح است؛ اما بعضی جلد سوم شرح

۵۶. ذریعه؛ ج ۱۳، ص ۱۰۲.

۵۷. الذبیر؛ ج ۲، ص ۳۶۲.

۵۸. ذریعه؛ ج ۱۴، ص ۱۲.

۵۹. ذریعه؛ همان، ج ۱۳، ص ۱۰۱.

۶۰. همان، ج ۱۵، ص ۳۰۴-۳۰۵.

این کتاب «فروق اللغات» نام دارد و از تألیفات سید نورالدین فرزند سید نعمت الله است؛ اما در فهرست کتاب های چاپی عربی و مؤلفین کتب چاپی، «فروع اللغات» با غین آمده است که غلطی واضح است و به سید نعمت الله نسبت داده شده که اشتباه است. آن گاه با قاف که صحیح است، یاد کرده، آن را از سید نورالدین بن سید نعمت الله دوم (مترجم زهرالربیع) دانسته و این هم اشتباه است؛ زیرا از آن سید نورالدین اول است (ص ۹۵).

الفوائد

سید، اصطلاحات ادبی را به ترتیب حروف تهجی توضیح داده است و مؤلف نامی برای آن معین نکرده است؛ اما چون هر اصطلاح را ذیل «فائدة» توضیح داده، آن را الفوائد نامیدیم.

الفوائد را هیچ یک از مورخان معرفی معرفی نکرده اند. این کتاب غیر از الفوائد النعمیه است؛ زیرا الفوائد را قبل از افتتاح اللیب نوشته و الفوائد النعمیه را بعد از آن.

یک نسخه آن که از اول و آخر ناقص است، به خط عالم جلیل سید آقا است؛ به نظر رسید او آن را الفوائد النعمیه گمان کرده است (ص ۹۶-۹۷).

الفوائد النعمانیة

یک (یک) شیخ حر عاملی این کتاب را جزء آثار سید شمرده و فرموده است: در حدیث و یک مجلد و منسوب به نام او است. ۶۷ این عنوان منسوب به نام او نیست، بلکه منسوب به نعمان است.

آقابزرگ نیز این کتاب را جزء آثار سید شمرده است. ۶۸ خود سید و احفادش، نام این کتاب را در مؤلفات سید نعمت الله جزائری ننوشتند و نسخه آن هم دیده نشده است (ص ۹۷).

دو (دو) مرحوم مدرس می فرماید: «الفوائد النعمانیة» که ظاهراً غیر از انوار النعمانیة است. ۶۹

شیخ حر عاملی تصریح کرده است: این کتاب غیر از انوار النعمانیة است؛ زیرا هر دو را نوشته و این یک جلد است و آن

را پنجم پنداشته اند. این جزء نزد علامه حاج سید محمدعلی روضاتی و جاهای دیگر موجود است.

کتبوری این جزء را داشته و گفته است: «در صلاة تابعت جنائز است»، اما آن را جلد پنجم پنداشته است. ۶۱ شیخ آقابزرگ در یک جا به این اشتباه پی برده و فرموده است: «کتبوری جلد سوم را داشته»، ۶۲ اما در جای دیگر غفلت فرموده و آن را پنجم ضبط کرده است ۶۳ (صص ۸۷-۸۸ و ۹۰).

دو (دو) شیخ آقابزرگ به اشتباه محل جلد سوم غایبة المرام را در قم و موضوع آن را نکاح نوشته است. ۶۴ موضوع جلد سوم، نماز است (ص ۸۷-۸۸).

یادآوری: ندانستیم مراد حجت الاسلام جزائری از اینکه نوشته است: صاحب ذریعه محل جلد سوم را قم نوشته است، چیست؟ تألیف یا کتابت یا ...؟ با مراجعه به ذریعه معلوم شد آقابزرگ می گوید: جلد سوم در بعضی کتابخانه های قم موجود است. وی توضیح نداده که در کدام کتابخانه قم است تا به اشتباه بودن آن گواهی دهیم.

دیگر آنکه آقابزرگ نگفته است موضوع جلد سوم غایبة المرام، نکاح است، بلکه ظاهراً او از موضوع جلد سوم مقصود الانام خبر داده است؛ هر چند موضوع این نیز نماز است. ۶۵ سه نسخه ای از غایبة المرام در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم هست که مؤلف فهرست (ج ۶، ص ۱۳۰) از آن با عنوان کنز الطالب یاد کرده و آن را مختصر غایبة المرام پنداشته، اما با مشاهده عبارت آغاز و انجام و تاریخ تألیف آن، معلوم می شود همان غایبة المرام است نه مختصر آن و معلوم نیست چه کسی این نام را بر آن نوشته است (صص ۸۰ و ۱۰۴).

چهار) قاضی عنایت الله بن قاضی محمد معصوم شوشتری سال ۱۱۲۸ جلد اول غایبة المرام را کتابت کرده و در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۲، ص ۱۶۰) مذکور است؛ ولی در آن جا تاریخ کتابت نسخه را ۱۱۸۲ نوشته که به طور قطع غلط است؛ زیرا وفات او قبل از این تاریخ بوده است (ص ۲۷۹).

فروق اللغات

صاحب روضات (ص ۷۲۸) به اشتباه این کتاب را با عنوان «رسالة فی فروق اللغة» جزء آثار سید نعمت الله شمرده و بعضی به پیروی از وی دچار این اشتباه شده اند. ۶۶

۶۱. کشف الحجب والاستار؛ ص ۳۲۸.

۶۲. ذریعه؛ ج ۱۶، ص ۱۸.

۶۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۸.

۶۴. همان، ص ۱۵۹. ۶۵. ر. ک به: نابغه فقه و حدیث؛ ص ۱۲۰.

۶۶. ر. ک به: فوائد الرضویة؛ ص ۶۲۴. ذریعه؛ ج ۱۶، ص ۱۸۷.

الاعلام؛ ج ۹، ص ۱۲. فهرست کتابهای چاپی عربی؛ ص ۶۶۴ و

مؤلفین کتاب چاپی؛ ج ۶، ص ۶۲۹.

۶۷. امل الأمل؛ ج ۲، ص ۳۳۶.

۶۸. ذریعه؛ ج ۱۶، ص ۳۶۲.

۶۹. ریحانة الادب؛ ج ۲، ص ۲۵۴.



دو جلد؛ پس کلمه «ظاهراً» در این جایی مورد است (ص ۹۷).

کشف الاسرار

یک) کشف الاسرار از آثار سید و شرح استبصار شیخ طوسی در سه جلد است. خود سید نام آن را آورده است، اما فرموده دو جلد است؛ ۷۰ در حالی که سه جلد است و خود در آخر شرح روضه کافی به سه جلد بودن آن تصریح کرده است.

علت اینکه در بعضی جاها دو جلد معرفی کرده، آن است که در آن تاریخ، دو جلد بوده و جلد سوم را در ۱۰۹۹ یعنی یازده سال پس از جلد دوم و ده سال پس از انوار نعمانیه نوشته است. بغدادی از آن چنین یاد کرده است: «کشف الابصار فی شرح الاستبصار مجلدين». ۷۱ این عبارت از سه جهت غلط است:

۱. نام کتاب کشف الاسرار است نه کشف الابصار؛
۲. سه جلد است نه دو جلد؛ اما در این جهت معذور است، زیرا خود سید گفته است؛

۳. نصب «مجلدين» نادرست است؛ زیرا خبر مبتدای محذوف و مرفوع است و باید «مجلدان» باشد (ص ۹۹-۱۰۰).
(دو) سید در آغاز جلد اول می نویسد: «... و حیث وصلت بنا النبوة الى علم الحديث و قراءته ... هجرنا لاجله الديار ... حتى اذا انصرفت الى قومی ... قالوا: هذا تهذيب الاحكام و فصل الحلال و الحرام لم يوجد له شرح الى هذا الان و لم يطمئه انس قبلک و لاجان فوجهت خیلی و رجلی الیه ...».

صاحب ذریعه (ج ۱۸، ص ۱۷) این جمله را که مربوط به تهذیب است، درباره استبصار توهم کرده است (ص ۱۰۰).

سه) نسخه ای از جلد دوم را معاصر محترم، شیخ محمد هادی امینی معرفی کرده است؛ اما دچار اشتباهاتی شده است: «کشف الاسرار فی شرح الاستبصار للمحدث الجزائری السيد نعمة الله الحسينی المتوفی ۱۱۱۲ قال فی بعض مؤلفاته انه وضع شرحا لکتاب الاستبصار فی اثني عشر مجلدا ثم اختصره و جعله فی ثمانية مجلدات و سماه غاية المرام و النسخة هذه فی مجلدين کبيرين، اوله: الحمد لله الذي نطق لشرح الخ و آخر المجد الثاني، و قد اتفق الفراغ من جمع هذا المتن و الشرح بيد اقل تلامذة الشارح محمد علی الشوشتری فی ۱۱۳۳». ۷۲

غایة المرام شرح تهذیب است و ابتدا دوازده جلد بوده است و بعد در هشت جلد گردآمده است.

نسخه ای که او دیده، شرح استبصار نبوده است؛ اگرچه آغاز آن با شرح استبصار یکی است، بلکه جمع بین متن و شرح سید، تألیف شیخ محمدنجانار است که نام او را به جای «محمدین علی»، «محمد علی» نوشته و کلمه ابن را انداخته است. نیز کلمه «الشارح» با عین به صورت «الشارع» اشتباه

چاپی است (ص ۱۰۲-۱۰۳).

لوامع الانوار

استاد بزرگ فرموده است: تاریخ تألیف لوامع الانوار ۱۱۰۶ بوده و نسخه ای از آن به خط محمد صالح بن محمد رشید در کتابخانه آستان قدس موجود است که در شعبان همان سال نوشته و مؤلف آن را وقف آن کتابخانه نموده است. ۷۳

تألیف کتاب - چنان که نویسنده در پایان گفته - در سال ۱۱۰۴ بوده است. ۱۱۰۶ تاریخ کتابت نسخه است (ص ۱۰۵).

مفتاح اللیب

مفتاح اللیب در شرح تهذیب شیخ بهایی است؛ اما در بحث اضافه عام به خاص آن کتاب، چندین مثال آورده و چنین فرموده است: «یوم الاحد و کتاب اللیب فی شرح التهذیب و بلده بغداد».

محتمل است «مفتاح» از قلم نویسنده افتاده باشد (ص ۹۸).

مناهل المطالب

سید در مفتاح اللیب در بحث حال فرموده است: «وفی هذا کلام و شحنا به کتابنا الموسوم بمناهل المطالب من أراد حقيقة الحال فلینظره ثمة».

این کتاب متأسفانه مفقود است و هیچ یک از مورخان نام آن را ننوشته اند (ص ۱۲۲).

منبع الحیاة

یک) صاحب ریاض العلماء سهواً دوبار نام آن را در آثار سید آورده است (ص ۱۲۳).

دو) علامه تهرانی در ذریعه (ج ۲۲، ص ۳۵۹) فرموده است: «این کتاب در ۱۳۴۸ چاپ شده است؛ اما درست ۱۳۴۵ است (ص ۱۲۳).

سه) گفته شده: در تهران، چاپ سنگی شد. ۷۴

کتاب در بغداد به سال ۱۳۴۵ در ۸۷ صفحه چاپ حروفی

۷۰. الانوار النعمانیة؛ ص ۴۷۱ و زهر الربیع؛ ج ۲، ص ۲۰۸.

۷۱. هدیه العارفین؛ ج ۲، ص ۴۹۷.

۷۲. مجلة العدل؛ چاپ نجف اشرف، ص ۱۴ و ۱۵.

۷۳. ذریعه؛ ج ۱۸، ص ۳۶۳.

۷۴. فهرست کتابهای چاپی عربی؛ ص ۹۱۳ و مؤلفین کتب چاپی؛ ج ۶، ص ۶۳۰.

همین نوادر الاخبار تطبیق می کند؛ ولی محقق آن تعلیقه، در باورقی احتمال داده مقصود الانوار النعمانیه است (ص ۹۳).

چهار) بغدادی از آن چنین یاد کرده است: «نوادیر الآثار فی التاریخ مجلّین». ^{۸۱} این عبارت مشتمل بر سه غلط است:

۱. نام کتاب نوادر الاخبار است. گویا بغدادی این نام را از امل الآمل گرفته که گفته است: «غرائب الاخبار فی نوادر الآثار»؛ اما نام کتاب را با موضوع آن خلط کرده است. ذیل کشف الظنون درست نوشته است. ^{۸۲}

۲. موضوع کتاب تاریخ نیست، بلکه حل مشکلات اخبار است.

۳. «مجلّین» به نصب غلط و «مجلدان» صحیح است؛ زیرا خبر مبتدای محذوف است و باید مرفوع باشد؛ لذا در اجازه کبیره فرموده است: «نوادیر الاخبار مجلّان» (ص ۹۴).

نور الانوار فی شرح کلام خیر الاخبار

سید دو شرح بر صحیفه سجادیه داشته است: یکی کبیر و دیگری صغیر و عنوان صغیر «نور الانوار فی شرح کلام خیر الاخبار» است.

یک) صاحب شجره طیبه می گوید: «نور الانوار یا شرح صحیفه سجادیه کبیر». این اشتباه است و «صغیر» صحیح است.

دو) یکی از معاصران، شرح کبیر را نوشته و این شرح را دوبار به عنوان «نور الانوار فی شرح کلام الاخبار» و «نور الانوار فی شرح الصحیفه» نوشته است. ^{۸۳}

این تکرار و غلط است (ص ۱۲۷).

نهج الصواب فی علم الاعراب

این کتاب در نحو است که سید قبل از پانزده سالگی نوشته است. در مفتاح اللیب مکرر نام آن را برده است؛ از جمله در مبحث اسم و خواص آن و مبحث خواص فعل.

از چگونگی یادکرد آن، به دست می آید کتابی مفید و مبسوط

۷۵. فهرست کتابخانه مجلس؛ ج ۲، ص ۱۵۲.

۷۶. همان بخش دوم، ج ۹، ص ۵۸۸.

۷۷. هدیه العارفین؛ ج ۲، ص ۴۹۷ و ایضاح المکنون؛ ج ۲، ص ۵۳۷، ذیل «کشف الظنون».

۷۸. ر. ک به: الانوار النعمانیه؛ ص ۴۷۱. اجازه کبیره؛ ص ۷۵. تذکره شوشتر؛ ص ۵۸ و تحفة العالم؛ ص ۹۶.

۷۹. امل الآمل؛ ج ۲، ص ۳۶۶ و الفوائد الرضویه؛ ص ۶۲۴.

۸۰. ریاض العلماء؛ ج ۵، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۸۱. هدیه العارفین؛ ج ۲، ص ۴۹۷.

۸۲. ایضاح المکنون؛ ج ۲، ص ۶۷۹.

۸۳. الاعلام؛ ج ۹، ص ۱۲.

شد و در ۱۴۰۱ در بیروت همراه الشهاب الثاقب تجدید چاپ شد (ص ۱۲۳).

چهار) معاصر محترم حائری، با اینکه درباره کتاب و مؤلف توضیحی نوشته است، ^{۷۵} ولی در جای دیگر از روی غفلت، کتاب را از آن فیض کاشانی دانسته است ^{۷۶} (ص ۱۲۴).

منتهی المطلب

یک) در ذریعه (ج ۲۳، ص ۱۱) به اشتباه، منتهی المطالب آمده است (ص ۱۲۴).

دو) بغدادی نیز به اشتباه آن را منتهی الطلب نوشته است. ^{۷۷}

مناهج الصواب

سید در کتاب مفتاح اللیب، مبحث موصول، به این کتاب ارجاع داده است و ظاهراً غیر از شرح مناهج الصواب و نهج الصواب است.

احدی از مورخان قدیم، نام آن را نوشته است (ص ۱۲۴).

مناهج المبتدی

سید در کتاب مفتاح اللیب در بحث ضمیر، خوانندگان را به این کتاب خود ارجاع داده است. این کتاب در جایی ذکر نشده است (ص ۱۲۵).

نوادیر الاخبار ^{۷۸}

یک) شیخ حر عاملی و محدث قمی به اشتباه از آن به صورت «غرائب الاخبار فی نوادر الآثار» نام برده اند ^{۷۹} (ص ۹۳).

دو) حاشیه امل الآمل از سید نعمت الله جزائری است و در آن تصریح شده که دو جلد است؛ ولی صاحب ریاض العلماء می گوید: «ومن مؤلفاته أيضاً کتاب نوادر الاخبار فی مجلد» و عنوان «غرائب الاخبار» را از شیخ حر نقل کرده است بدون اشاره به اینکه غرائب الاخبار، همان نوادر الاخبار است. ^{۸۰}

گویا آنها را دو کتاب می دانسته و در پایان چنین گفته است: «سید نعمت را کتابی دیگر در دو مجلد بوده که مشتمل است بر فوائدی عالی و حل مشکلات حکمت و کلام و فقه و جز آنها از علوم دیگر».

کتابی با این مشخصات، جز نوادر الاخبار در مؤلفات سید نیست (ص ۹۳).

سه) در تعلیقه امل الآمل (ص ۳۲۸) آمده است: «کتابی دارد در مسائل متعدد زیادی و پرفایده از کلام و حدیث و جز آنها که با



بوده است؛ اما متأسفانه اثری از آن به دست نیامده و مورخان نام آن را ننوشته‌اند (ص ۱۳۱).

نهج الیقین

سید در مفتاح اللیبیب در بحث مفعول مطلق می‌گوید: «یکی از مشایخ من در این مقام چندین دلیل و پاسخ و مناظره دارد که به طور تفصیل در نهج الیقین بیان نموده‌ایم». همچنین درباره اینکه مصدر اصل است یا فعل، در این کتاب شرحی آورده است. در کتاب‌های تراجم قدیم، از نهج الیقین نام نبرده‌اند (ص ۱۳۱).

هدیه المؤمنین و تحفة الراغبین

هدیه المؤمنین و تحفة الراغبین، رساله عملیه‌ای در طهارت و نماز است. مؤلف نام آن را به دلیل تخفیف، الهدیه فی فقه الامامیه^{۸۴} و کتاب الهدیه فی علم الفقه^{۸۵} گفته است. یک محدث بحرینی نام آن را از جزء دوم اقتباس کرده و رساله التحفة گفته است و موضوع آن را که طهارت و نماز است، تنها نماز نوشته است.^{۸۶} این نادرست است (ص ۱۳۲). دو صاحب روضات (ص ۷۲۸) یک جا به نام کتاب و یک جا به عنوان فقه الصلوة که از موضوع مذکور در اجازه کبیره اخذ شده، یاد کرده و توهم تعدد آن دو را داشته است. استاد بزرگ، تهرانی هم به پیروی از او، آن را در دو عنوان یاد کرده است^{۸۷} (ص ۱۳۲).

سه بغدادی دو بار نام آن را با عنوان الهدیه فی فقه الشیعه العلیه و هدیه المؤمنین برده است که نام کتاب است.^{۸۸} کلمه «العلیه» را که وصف «الشیعه» قرار داده است، حق است؛ اما در نامگذاری مؤلف منظور نشده است (ص ۱۳۲-۱۳۳). چهار کتوری و علامه امین به جای «هدیه» - با تشدید یاء - «هدایه المؤمنین» نوشته‌اند؛^{۸۹} این اشتباه است. علامه امین در اعیان الشیعه (چاپ یازده جلدی، ج ۱۰، ص ۲۲۷) گفته است: «در بغداد چاپ شده» و آن هم اشتباه است؛ چه اینکه تاکنون به چاپ نرسیده است (ص ۱۳۳).

تعداد کتاب‌های سید

صاحب شجره طیبه - از نوادگان سید نعمت‌الله - تنها ۲۶ کتاب را شناخته و نام برده است؛ در حالی که بیش از اینهاست (ص ۱۳۳).

بخش دوم: موارد دیگر

استادسید

ر. ک به: آقا جمال بن حسین خوانساری، حسین بن سبئی حویزی، عمادالدین یزدی، فرج‌الله بن سلمان جزائری،

فرج‌الله بن محمد حویزی، محمدتقی بن مجلسی و هاشم بن حسین بن عبدالرؤف احسائی.

استفاده از آثار سیدعلی خان

ر. ک به: علی خان بن احمد بن معصوم مدنی شیرازی.

افتادگی

سید نعمت‌الله جزائری بر اهل الأمل حواشی دارد. در این حواشی، شرح حال چند نفر از دانشمندان معاصر مؤلف که در متن کتاب مذکور نیستند، آمده است. این عده عبارتند از: شیخ عبدحیدر بن محمد جزائری، ملاعبدالرشید شوشتری، عیسی بن محمد جزائری، شیخ محمد بن سلمان جزائری، محمد بن نصار جزائری، سید نجم‌الدین جزائری برادر سید نعمت‌الله و خود او و یوسف بن محمد بنا جزائری.

سید نجم‌الدین و سید نعمت‌الله هر دو در متن کتاب مذکورند و سید در حاشیه مطالبی افزوده است؛ اما شرح حال سید نجم‌الدین از نسخ چاپی اهل الأمل افتاده است (ص ۵۸).

تلفظ کلینی

سید نعمت‌الله جزائری در غایة المرام (ج ۱، مطلب پنجم) فرموده است: ضبط «کلینی» صاحب کافی به فتح کاف و کسر لام منسوب به شهر کلین است. گویا ایشان به قاموس فیروزآبادی استناد کرده که گفته است: کلین بر وزن امیر، محمد بن یعقوب که از فقهاء شیعیان است، از آنجا بوده؛ اما ظاهراً این از اغلاط آن کتاب است.^{۹۰} در انسباب اسمعانی (ج ۵، ص ۹۱) «کلین» به

۸۴. حاشیه امل الأمل (نسخه خطی).

۸۵. الانوار النعمانیة؛ ص ۴۷۱ و زهر الربیع؛ ج ۲، ص ۲۰۹.

۸۶. لؤلؤة البحرین؛ ص ۱۱۱. در تذکره المحدثین محدث طبرسی نیز چنین است.

۸۷. ذریعه؛ ج ۱۶، ص ۱۹۴ و ج ۲۵، ص ۲۱۴.

۸۸. هدیه العارفین؛ ج ۲، ص ۴۹۷.

۸۹. کشف الحجب والاستار؛ ص ۶۰۶ و اعیان الشیعه؛ ج ۵۰، ص ۲۳.

۹۰. قاموس اللغة، تألیف مجدالدین فیروزآبادی متوفای ۸۱۷ ق یکی از کتب لغت عرب است که بسیار مشهور است و مکرر چاپ شده است، اما اغلاط و اوهام زیادی دارد که کتاب جاسوس، مطبوع در ۱۲۹۹ در بیان آنهاست. صاحب قاموس در بسیاری از موارد اشکالات نادرست و ایرادهای بی‌موردی از صحاح جوهری که آن هم در لغت است، گرفته که حق با جوهری بوده است.

داشته، در اثر بی اطلاعی از تاریخ این خاندان است.

بله، بعضی از نوادگان سید به هندوستان رفته، منشأ آثار و مشهور گردیده‌اند؛ از جمله سید مصطفی بن سید اسماعیل بن سید مرتضی بن سید نورالدین ابن سید نعمت‌الله جزائری که مدتی در حیدرآباد می‌زیسته و موجب اشتباه و شک این نویسنده شده است؛ ولی به طوری که خود این نویسنده اعتراف کرده، در زمان محمدشاه قاجار به ایران باز می‌گردد. آیا چند صباحی توقف او در حیدرآباد، دلیل بر هندی بودن او و خاندانش می‌باشد؟! پدران وی تا سید نورالدین که همه اهل فضل و روحانی بوده‌اند، در شوشتر به خاک سپرده شده‌اند (ص ۴۴۳-۴۴۴).

در جایدر

در معجم المؤلفین می‌خوانیم: «نعمه‌الله بن عبدالله بن محمد بن حسین الحسینی الجزائری ... ولد فی القرية الصباغية وقرابها ثم بشیراز فاصفهان وعادالی قرية جایدر». ۹۲ جمله «عادالی قریه جادر» غلط است؛ زیرا معنایش آن است که سابقاً آنجا بوده و بعد از تحصیلات به آنجا برگشته است؛ در صورتی که سید هیچ‌گاه در جایدر نبوده است؛ به جز موقع مراجعت از مشهد مقدس که در آنجا بیمار شد و درگذشت و او را به خاک سپردند (ص ۲۵).

زرکلی در معرفی سید نعمت‌الله جزائری می‌نویسد: «ادیب مدرس، من فقهاء الامامية، نسبته الی جزائر البصرة، ولد فی قرية الصباغية من قراها، وقرابها ثم بشیراز فاصفهان وعادالی الجزائر وتوفی بقریه جایدر». ۹۵ نویسنده به توطن او در شوشتر اشاره نکرده و ظاهر «عادالی الجزائر» آن است که ساکن آنجا بوده است (ص ۲۵).

دیدار با علامه مجلسی

در شجره طیبیه فرموده است: «در سال هزار و صد و یازده سید را شوق ملاقات دوست صمیمی اش علامه مجلسی و زیارت مشهد رضوی به سر افتاده، به اصفهان و خراسان سفر کرد ...». مسافرت سید در آن تاریخ صرفاً برای زیارت مشهد بوده است؛ زیرا در سال ۱۱۱۱ علامه مجلسی در قید حیات نبود (ص ۳۳۹-۳۴۰).

۹۱. ر. ک به: الانوار النعمانية؛ ج ۴، ص ۳۰۲. اجازه کبیره؛ ص ۷۰. تذکره شوشتر؛ ص ۵۷. تحفة العالم؛ ص ۸۷ (چاپ هند) و ص ۹۹ (چاپ طهروری) والفوائد الرضویه؛ ج ۲، ص ۶۹۴ و سایر کتب تراجم.

۹۲. احسن الودیعة؛ ج ۲، ص ۱۶۲ و ریحانة الادب؛ ج ۱، ص ۲۶۸.

۹۳. حقوق بگیران انگلیس در ایران؛ ص ۴۰۶.

۹۴. معجم المؤلفین؛ ج ۱۳، ص ۱۱۰.

۹۵. الاعلام؛ چاپ هشت جلدی، ج ۹، ص ۱۱ و ج ۸، ص ۳۹.

ضم کاف و کسر لام آمده که آن هم غلط است. در سیر اعلام النبلاء (ج ۱۵، ص ۲۸۰) به ضم کاف و اماله لام آمده است. به نظر می‌رسد به ضم اول و فتح دوم بر وزن زبیر که بر زبان‌ها جاری است، صحیح باشد (ص ۸۱).

تولد

ولادت سید نعمت‌الله جزائری در قریه صباغیه جزائر در سال ۱۰۵۰ ق مطابق با ۱۶۴۰ م است. ۹۱ صاحب روضات الجنات (ص ۷۲۸) تاریخ ولادت را حدود ۱۰۵۰ نوشته و آن را به اشتباه به اجازه کبیره نسبت داده است؛ زیرا در نسخه‌های متعدد اجازه که به نظر نگارنده رسیده، کلمه «حدود» وجود ندارد و در تذکره شوشتر هم که تألیف صاحب اجازه است، همان ۱۰۵۰ مذکور است.

در دائرةالمعارف تشیع (ج ۳، ص ۲۵۳) به نقل از آثار باستانی و تاریخی لرستان، تولد سید در ۱۰۴۵ آمده که غلطی آشکار است (ص ۲۷).

جزائر

جزائری منسوب به جزائر بصره است که از چندین جزیره تشکیل شده است. بعضی ترجمه نویسان توهم کرده‌اند که سید نعمت‌الله جزائری، از جزائر خوزستان بوده که وجود خارجی ندارد. بعضی او را از جزائر آفریقا پنداشته‌اند ۹۲ (ص ۴۴۰).

حکایت سید با علامه مجلسی

ر. ک به: علامه مجلسی.

خاندان

یکی از معاصران ندانسته، سادات جزائری را از هند دانسته است: «یکی از خانواده‌های مشکوک که از هندوستان به ایران مهاجرت کرده ... خانواده شوشتری بود. این خانواده که بازماندگان آن در یک قرن اخیر در ایران، مصادر امور مختلف مملکتی و اجتماعی بوده‌اند، به نام‌های شوشتری، جزائری، عون، عون جزائری و غیره نامیده شده‌اند. در بین افراد این خانواده عالم، روحانی، دانشمند، وزیر، نماینده مجلس، وابستگان مؤسسات دولتی، معلم و بازرگان وجود داشته و دارند». ۹۳

در اینکه اجداد این خانواده قبل از سید نعمت‌الله همه در جزائر بوده‌اند و او نخستین نفر است که به شوشتر منتقل شده، هیچ شک و شبهه‌ای نیست. اگر کسی در این موضوع شک

شاگرد سید

ر. ک به: ابوالحسن اصفهانی غروی (شریف) و عبدالله بن حسن مقابی و عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی.

شیخ سید

ر. ک به: حسین بن سبئی حویزی و علی بن حجت الله طباطبایی شولستانی غروی و فیض الله بن غیاث الدین محمد طباطبایی قهبایی.

عالم شوشتر

علامه تهرانی فرموده است: شرح حال قاضی مجدالدین در صبح گلشن (ص ۳۶۲) از تذکره حزین نقل شده و فرموده که: نزد علمای دزفول چون سید نعمت الله جزائری، درس خوانده است. ۹۶

سید نعمت الله از علمای شوشتر بوده است نه دزفول (ص ۲۹۳).

فرزند، اعقاب در لرستان، مسلک

تنکابنی می گوید: «سید نعمت الله بن سید عبدالله جزائری فاضل و عالم و ادیب اریب لیبب حسیب نسیب، وحدت ادراک او را نصیب و پسرش سید ولی الله از افاضل علماء بوده ... اکنون مدار بزرگی از آن زمان تا این اوان در خانواده ایشان در لرستان، و آن جناب صاحب عربیت و لغت و دارای علم حدیث و مسلکش مسلک اخباری ...». ۹۷

در این عبارت سه اشتباه به چشم می خورد:

۱. نام فرزند سید نعمت الله، سیدنورالدین بوده است نه سید ولی الله. سید ولی الله بن سید نعمت الله که از دانشمندان بوده، شخص دیگری است.

۲. در زمان تنکابنی کسی از اعقاب سید نعمت الله در لرستان نبوده، بلکه جمعی از عموزادگان او بوده اند. نوادگان سید که اکنون در خرم آباد سکونت دارند، پس از زمان تنکابنی به آن شهر رفته اند.

۳. مسلک سید، اخباری نبوده، بلکه متوسط بین اخباری و اصولی است.

کتابخانه سید

ر. ک به: نورالدین بن نعمت الله جزائری.

مدفن جد سید

ر. ک به: عبدالله بن امام کاظم (ع).

مسکن نه منشأ

مدرس می نویسد: «سید نعمت الله بن عبدالله بن محمد موسوی، جزائری الاصل شوشتری المنشأ از اکابر متأخرین علمای امامیه ...». ۹۸

به جای «المنشأ»، «المسکن» درست است (ص ۲۵).

نسب سید

یک) نسب عالی سید به طوری که در کتب تراجم و انساب مرقوم است، به سید عبدالله بن امام هفتم موسی بن جعفر (ع) می رسد. ۹۹ در جنگ سید ابوالحسن شیخ الاسلام، در نسب نامه سید اختلاف زیادی با مصادر دیگر دیده می شود و وسایط را در حدود دو برابر نوشته است. یکی از سادات معاصر که شجره مخصوص خانواده خود را که از شعبه های سادات نوریه است، در ۱۳۷۷ چاپ کرده است، نسب سید نعمت الله را مطابق آن جنگ نوشته، که نوعی اجتهاد مقابل نص است (ص ۳۴۳).

دو) در آثار الحجه (ج ۲، ص ۲۸۸) می گوید: «نسب سادات جزائری به ابراهیم المرتضی فرزند امام هفتم (ع) می رسد» که اشتباه است (ص ۳۴۳).

وصیت سید برای محل دفن

در شجره طیبیه در مورد رحلت سید، فرموده است: «در مراجعت [از مشهد] به ورود خرم آباد لرستان مریض شد. مع ذلک به اصرار همراهان، به حرکت خویش ادامه داد و در اثر حل و ترحال سفر، مرضش شدت نمود. در شب جمعه بیست و سوم شوال هزار و یکصد و دوازده به جوار پروردگار ارتحال جست و بر حسب وصیت، در منزل جایدر نزدیک پل دختر نیمه راه خرم آباد به دزفول، مدفون گردید».

این عبارت خالی از مسامحه نیست؛ زیرا به ظاهر می رساند که سید در خصوص دفن در جایدر وصیت کرده با اینکه چنین نبوده است و چون نقل میت را جایز نمی دانسته، وصیت او دفن در محل وفات بود. سید در انوار النعمانیه (ص ۳۸۷) تحقیقی در مسئله حرمت نقل میت کرده است (ص ۳۳۹ - ۳۴۰).

وفات

یک) بعضی به نقل از فیض العلام فی عمل الشهور ووقائع الایام، تألیف محدث قمی، روز درگذشت سید را ۲۲ شوال نقل کرده اند؛ در حالی که او در شب جمعه بیست و سوم شوال درگذشت (ص ۳۴۰).

یادآوری: ظاهراً ۲۲ شوال هم درست است؛ زیرا سید در

۹۶. ذریعه؛ ج ۹، ص ۹۶۰.

۹۷. قصص العلماء؛ ص ۴۳۶.

۹۸. ریحانة الادب؛ ج ۲، ص ۲۵۳.

۹۹. ر. ک به: الانوار النعمانیه؛ ص ۱۲۸. اجازه کبیره؛ ص ۷۷. تذکره شوشتر؛ ص ۵۸. شجریه نوریه؛ چاپ بمبئی در ۱۲۶۲. روضات الجنات؛ ص ۲۷۹. خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۴. کنز الانساب؛ ص ۱۲۶. سفینة البحار؛ ج ۲، ص ۶۰۱. الکنی والالقباب؛ ج ۲، ص ۲۹۸ و مناهل الضرب اعرجی و ظلیله صاحب ذریعه و ...

است. در تجلیات (ج ۱، ص ۷۰) به همین صورت مغلوط، منقول است) (ص ۲۴).

نه) اسماعیل پاشا می گوید: «الجزائری السید نعمة الله... من علماء الشيعة الامامية، ولد ۱۰۵۰ سكن اصفهان ومات بها ۱۱۱۲». ۱۰۵.

سید در جایدر درگذشت، نه اصفهان (ص ۲۵).

نورالدین بن علی بن ابوالحسن موسوی عاملی

یک) سید نورالدین بن علی بن ابوالحسن عاملی برادر پدری صاحب مدارک و برادر مادری صاحب معالم و دارای تألیفات و اشعاری بوده است.

نام او در بعضی مصادر نورالدین علی است؛ مانند ذریعه (ج ۱۶، ص ۳۵۹)، بحار الانوار (ج ۲۶، ص ۱۶۴)، سلافة العصر (ص ۳۰۲)، امل الآمل (ج ۱، ص ۱۲۴)، لؤلؤة البحرين (ص ۴۰)، خاتمة مستدرک الوسائل (ص ۳۹۱)، الروضة النضرة (ص ۳۸۶)، روضات الجنات (ص ۶۰۳)، ريحانة الادب (ج ۴، ص ۲۴۴) الغدير (ج ۱۱، ص ۲۹۱)، مقدمه نزهة الجليس (چاپ نجف، ج ۱، ص ۵۶) والفصول المهمة، تألیف شرف الدین (چاپ نجف، ص ۲۵۴).

در خلاصة الاثر (ج ۳، ص ۱۲۳) تصریح کرده است نورالدین لقب او بوده و نامش علی است.

به نظر ما همه آنها اشتباه و منشأ آن، افتادگی کلمه «ابن» بین «نورالدین» و «علی» بوده است. در مدارک معتبر، از جمله اجازه محقق سبزواری به ملا محمد شفیق و اجازه ملا محمد طاهر قمی و شیخ علی سبط شهید ثانی و سید میرزا جزائری به علامه مجلسی که در بحار الانوار (ج ۲۶، ص ۱۵۶ و ۱۶۴ و ۱۶۵) مذکورند و در اجازه سید نعمت الله^{۱۰۶} نام او را نورالدین نوشته اند.

از همه آنها گذشته، تصریح خود او در کتابش الانوار البهیه است و در نسخه های خطی الشواهد المکیه در زمان مؤلف که

۱۰۰. ریاض العلماء؛ ج ۵، ص ۲۵۵.

۱۰۱. سید عبدالزهرا حسینی، مصادر نهج البلاغه؛ ج ۱، ص ۲۸۹.

۱۰۲. ر. ک به: کشف الحجب والاستار در صفحات متعدد و فهرست دانشگاه تهران؛ ج ۱، ص ۱۶۰ و یکی از مصادر خارجی الاعلام؛ ج ۹، ص ۱۲ و احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی؛ ص ۱۶۱.

۱۰۳. ر. ک به: محمد حجازی؛ «شرح حال سید نعمت الله جزائری»؛ مجله باختر، ۲، ش ۳. به طوری که در زندگینامه علامه مجلسی (ج ۱، ص ۱۸۱) تألیف دوست متبوع ما مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی نیز مذکور است.

۱۰۴. خاتمة مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۴.

۱۰۵. هدیة العارفين؛ ج ۲، ص ۴۹۷.

۱۰۶. ذابغة فقه و حدیث؛ ص ۲۶۴.

شب وفات یافت و به اعتبار روز بعد، او شب بیست و سوم رحلت کرد و به اعتبار همان روز، می توان گفت بیست و دوم درگذشت. (دو) افندی - معاصر سید - وفات او را در شوشتر در حدود هزار و صد و یک (۱۱۰۱) نوشته است؛^{۱۰۰} حال آنکه سید در جایدر و در سال ۱۱۱۲ وفات یافت.

منشأ اشتباه او آن است که سید نعمت الله جزائری بر شرح حال برادر خود سید نجم الدین جزائری (م ۱۰۷۹ ق) در امل الآمل، حاشیه ای زده، تاریخ آن حاشیه را سی سال پس از مرگ برادرش در ۱۱۱۱ نوشته است؛ با این عبارت: «کتبت هذه الکلمات بعد وفاته بثلاثين عاماً سنة احدى عشرة بعد مائة وألف». افندی کلمه «عشیره» را ندیده و آن را «احدی بعد مائة وألف» خوانده و چون بعد از آن تاریخ، از سید نعمت الله اطلاعی نداشت، وفات او را در همان حدود در شوشتر پنداشته است (ص ۳۴۱-۳۴۲).

سه) در ذریعه (ج ۷، ص ۱۱۱) فرموده است: «سید نعمت الله بعد از ولادت نوه اش سید عبدالله در ۱۱۱۴ وفات کرده، چنان که از تحفة العالم معلوم می شود».

ولادت سید عبدالله در تحفة العالم خطی ۱۱۱۲ نوشته شده است و همان درست است و وفات سید هم در همین سال بوده است؛ اما اثر اشتباه چاپی ۱۱۱۴ مذکور است. تفصیل آن را در مقدمه تذکره شوشتر (ص ۴) تذکار داده ایم (ص ۳۴۲).

چهار) بعضی وفات سید را مردد بین ۱۱۱۲ و ۱۱۱۴ ضبط کرده اند^{۱۰۱} که تردیدی بی مورد است. منشأ این اشتباه، عبارت ذریعه است که پیش از این گذشت (ص ۳۴۲).

پنج) برخی سال ۱۱۳۰ نوشته اند^{۱۰۲} که غلطی واضح است (ص ۳۴۲).

شش) یکی از نویسندگان معاصر، ۱۱۳۹، چهار سال پس از فتنه افغان گفته^{۱۰۳} که آن واضح البطلان است (ص ۳۴۲).

هفت) در عبارت علامه تهرانی ذیل کشف الظنون (ص ۶۳) اشتباه چاپی روی داده است و ۱۰۶۱ که تاریخ کتابت نسخه ای به خط سید نعمت الله است، تاریخ وفات او نوشته شده است (صص ۴۰ و ۳۴۲).

یادآوری: عبارت ذیل کشف الظنون چنین است: «بخط العلامة المحدث السید نعمة الله الجزائری التستری المتوفى سنة ۱۰۶۱». ظاهر آ کلمه «فی» به «المتوفى» تغییر یافته است.

هشت) محدث نوری می نویسد: «الحبر النبیل والمحدث الجلیل، السید نعمة الله صاحب التصانيف الرائقة الدائرة، المتولد فی ۱۱۱۲». ۱۰۴

کلمه «المتوفى» در اثر غلط چاپی به «المتولد» تغییر یافته

مرعشی (ج ۱۷، ص ۸۳) آن را مرتب بر سی باب خوانده‌اند (ص ۴۱۲).

هشت) فروق اللغات یا فروق اللغة معروف‌ترین کتاب سید نورالدین است.

تاریخ خطبه آن جمادی الاولی ۱۱۴۲ و تاریخ تألیف کتاب ۲۰ جمادی الثانی ۱۱۴۲ است که در چاپ‌های قدیم ایران و نجف نیامده و در الذریعه مذکور است. ۱۰۷

مؤلف فاضل فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی (ج ۱۰، ص ۳۳) تاریخ تألیف آن را قرن یازدهم نوشته که اشتباه است (ص ۴۱۴-۴۱۵).

نه) بعضی، کتاب فروق اللغات را به سید نعمت‌الله پدر سید نورالدین و بعضی به سید عبدالله فرزند او و بعضی به سید نورالدین دوم نوه او نسبت داده‌اند. ۱۰۸ همگی نادرست است و کتاب برای خود سید نورالدین است (صص ۹۵ و ۴۱۵).

ده) بعضی فروق اللغات را «فروغ» باغین نوشته‌اند که غلطی آشکار است ۱۰۹ (ص ۴۱۵).

یازده) صاحب روضات (ص ۷۲۸) به اشتباه این کتاب را با عنوان «رسالة فی فروق اللغة» جزء آثار سید نعمت‌الله شمرده و بعضی به پیروی از وی دچار این اشتباه شده‌اند. ۱۱۰

دوازده) فاضل معاصر شیخ ذبیح‌الله محلاتی در کتاب اختران تابناک (ص ۵۳۱) ضمن شرح حال سید نعمت‌الله می‌گوید: «سید نورالدین و پسرش سید عبدالله از بزرگان علماء عصر خود محسوب می‌شدند. در کتاب ریحانة الادب تعداد شانزده کتاب از کتابهای سید نورالدین را نام می‌برد. وی در ۱۳۰۱ ق از دنیا رفت».

این عبارت دارای چند اشتباه است:

۱. هیچ اشاره‌ای به نسب سید نورالدین با سید نعمت‌الله ندارد.
۲. کتب مذکور از سید عبدالله است و در ریحانه به سید نورالدین منسوب نیست.
۳. تاریخ مذکور نادرست است. چگونه کسی که وفاتش در

۱۰۷. ذریعه؛ ج ۱۶، ص ۱۸۷.

۱۰۸. ر. ک. به: روضات؛ ص ۷۲۸. فوائد الرضویه؛ ص ۶۲۴. ذریعه؛ ج ۱۶، ص ۱۸۷. الاعلام؛ ج ۹، ص ۱۲. فهرست کتابهای چاپی عربی؛ ص ۶۶۴. مؤلفین کتب چاپی؛ ج ۶، ص ۶۲۹. فهرست کتابهای چاپی عربی؛ ص ۶۶۴ و فهرست کتابخانه وزیری یزد؛ ج ۳، ص ۱۰۵۲.

۱۰۹. ر. ک. به: فهرست کتابهای چاپی عربی؛ ص ۶۶۴ و مؤلفین کتاب چاپی؛ ج ۶، ص ۶۲۹.

۱۱۰. ر. ک. به: الفوائد الرضویه؛ ص ۶۲۴. ذریعه؛ ج ۱۶، ص ۱۸۷. الاعلام؛ ج ۹، ص ۱۲. فهرست کتابهای چاپی عربی؛ ص ۶۶۴ و مؤلفین کتب چاپی؛ ج ۶، ص ۶۲۹.

تألیف آن در ۱۰۵۲ ق بوده، اینگونه است (ص ۲۶۴).

دو) با تصرف در دیباچه چاپی الشواهد المکیه، تألیف سید نورالدین بن علی آن را به عبدالله قطب شاه اهدا کرده‌اند.

او از سلاطین هند بود و تألیف کتاب در مکه معظمه است. در ذریعه (ج ۱۴، ص ۲۴۵) به استناد نسخه چاپی، این اهدا را درست پنداشته است.

در نسخه مصحح در زمان مؤلف، چنین اهدا و چنان نامی نیست (ص ۲۶۵).

نورالدین بن نعمت‌الله جزائری

یک) نام سید نورالدین بن سید نعمت‌الله را که در مؤلفات و متمملکات او دیده‌ایم و همچنین در کتب متعدد که از آن نزدیک‌ترین خاندان او هستند، نورالدین است.

ولی در شجره نوریه و تجلیات (ج ۱، ص ۲) و بعضی از اعقاب سید نورالدین که اسامی اجداد خود را به او پیوند داده‌اند، او را نورالدین محمد نامیده‌اند و گویی اجتهاد در مقابل نص کرده‌اند (ص ۳۵۹).

دو) نورالدین علی در الذریعه (ج ۲۲، ص ۳۷۱) و مکارم الآثار (در صفحات متعدد) و فرهنگ نامه‌های عربی به فارسی (ص ۲۴۰) و تذکرة القبور (ص ۳۷۰) و غیر آنها دیده می‌شود که غلط است. مدرک آنان روضات الجنات (ص ۳۶۵) بوده که او را با سید نورالدین علی عاملی اشتباه کرده‌اند (ص ۳۵۹).

سه) صاحب معجم المؤلفین (ج ۱۳، ص ۳۹۲) در شرح حال سید محمد شفیع جزائری - از نواده‌های سید نورالدین - نسب او را که به سید نورالدین رسانده، وی را علی نامیده و کلمه نورالدین را لقب پنداشته و نیاورده است (ص ۳۵۹).

چهار) زرکلی در الاعلام (چاپ هشت جلدی، ج ۴، ص ۱۰۷) در شرح حال سید عبدالله فرزند سید نورالدین به نقل از معارف الرجال (ج ۲، ص ۸) او را علی نامیده است (ص ۳۵۹). پنج) در ال مستدرک علی معجم المؤلفین (ص ۸۸۲) نام او را نورالله نوشته است (ص ۳۵۹).

شش) در شجره طیبه هر هشت پسر سید نورالدین را در زمره شاگردان او شمرده است؛ اما از تحفة العالم معلوم می‌شود فقط چهار نفرشان نزد پدر درس خوانده‌اند. آنها عبارتند از: حسین، رضی‌الدین، عبدالله و مرتضی (صص ۳۷۸، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۴ و ۴۰۳).

هفت) تحفة الاولیاء از آثار سید نورالدین و ترجمه قصص الانبیاء، تألیف پدرش است. مطالبی بر آن افزوده و بریک مقدمه و سی دو باب و خاتمه مرتب کرده است.

در ذریعه (ج ۳، ص ۴۲۲) و فهرست کتابخانه آقای

۱۱۱۲ است، فرزند یا نوه اش می تواند تا اوایل قرن چهاردهم زنده باشد! (ص ۴۱۷).

سیزده) شیخ عبدالعزیز جواهر الکلام (م ۱۴۰۶ ق) مرقوم داشته است: «کتابخانه سیدنورالدین جزائری در خوزستان. سیدنورالدین معاصر مجلسی که از علمای مهم عصر خویش و سرسلسله جزائری در خوزستان بوده، کتابخانه مهمی جمع آوری نموده که بعد از او اولاد و احفادش آن را تکمیل کردند.

سید عبدالله بن سیدنورالدین در ضمن تعریف مقام فضلی میرزا عبدالله افندی در اجازات خطی خود گفته که: افندی بر ما وارد شد و کتاب های زیادی که از اول و آخر ناقص بوده یا اینکه مؤلفین آنها برای والدین معلوم نبوده به ایشان ارائه دادیم و نام مؤلفین آنها را برای پدرم معلوم کرد و از وجود ایشان بسیار استفاده نمودیم.

یک قسمتی از کتابخانه مزبور اکنون نزد احفاد سیدنورالدین مزبور در خراسان و بحرین و بصره باقی است.^{۱۱۱} در عبارات بالا اشتباهات زیر وجود دارد:

۱. مؤسس کتابخانه، سید نعمت الله بوده و مشخصات مذکور با وی مطابق است نه با فرزندش سید نورالدین؛
۲. اجازه سید عبدالله به صورت مفرد درست است نه «اجازات»؛
۳. از احفاد سیدنورالدین، احدی در بحرین و بصره نبوده و نیست (ص ۴۳-۴۴).

چهارده) آقای همایون فرخ، شبیه عبارات شیخ عبدالعزیز جواهر الکلام را آورده، اما گفته است: «کتاب هایی را که سید عبدالله جزائری مؤلفان آنها را نمی شناخته، افندی برمی شمرده است».^{۱۱۲}

به طوری که گذشت، کتاب ها بر سید نورالدین پدر سید عبدالله مجهول بوده اند نه بر سید عبدالله (ص ۴۴). پانزده) در اجازه کبیره در شرح حال سید رضی الدین می گوید: «سمعت والدی طاب ثراه ...».

در لؤلؤة البحرين (ص ۱۰۶) و اعیان الشیعه (ج ۴۴، ص ۳۱۸) عبارات فوق را نقل کرده اند، اما به جای «طاب ثراه»، «اطال الله بقاءه» نوشته اند که غلط است؛ زیرا هنگام تألیف اجازه (سال ۱۱۶۸) سیدنورالدین - پدر صاحب اجازه کبیره - حیات نداشته و وفاتش در سال ۱۱۵۸ است (ص ۳۹۹).

نورالله بن شریف الدین مرعشی شوشتری

ر. ک به: قاضی نورالله شوشتری.

ولی الله بن نعمت الله جزائری

در مکارم الآثار (ج ۱، ص ۲) به نقل از نسخه خطی لباب الالقباب (ص ۳۸) پسری به نام سید ولی الله برای سید نعمت الله جزائری نوشته که اشتباه است. به نظر می رسد منشأ این اشتباه،

قصص العلماء باشد. تنکابنی می گوید: «سید نعمت الله بن سید عبدالله جزائری فاضل و عالم و ادیب اربب لیبیب حسیب نسیب، وحدت ادراک او را نصیب و پسرش سید ولی الله از افاضل علماء بوده ...»^{۱۱۳} (صص ۲۲-۲۳ و ۳۵۵).

هاشم بن حسین بن عبدالرؤف احسائی

یک) در اجازه کبیره در طرق روایت سید نعمت الله جزائری می گوید: «ومنها عن السيد العالم بالاصولین هاشم بن الحسین بن عبدالرؤف الاحسائی».^{۱۱۴}

محدث نوری عین این عبارت را در حق او گفته است،^{۱۱۵} ولی دچار اشتباه شده و به جای کلمه «السید»، «الشیخ» نوشته و موهوم عدم سیادت او شده است. علامه امینی هم او را «الشیخ الهاشم» نوشته است^{۱۱۶} (صص ۲۲۴-۲۲۵).

دو) صاحب ریحانة الادب در ترجمه سید نعمت الله گفته است: از شاگردان علامه مجلسی و سیدهاشم بحرانی و فیض کاشانی و دیگر اکابر وقت بوده است.^{۱۱۷}

این عبارت نادرست است. سیدهاشم بحرانی منصرف به سیدهاشم بن سلیمان بن اسماعیل - صاحب تفسیر برهان - است و او استاد سید نعمت الله نبوده و استاد او معروف به احسائی است نه بحرانی (ص ۲۲۵).

هبت الدین حسنی حسینی معروف به شاهمیر

ر. ک به: شاهمیر.

یعقوب بن ابراهیم بختیاری حویزی

در تذکره شوشتتر (ص ۱۲۸) آمده است: او در سال ۴۷ درگذشت. مقصود ۱۱۴۷ است نه ۱۰۴۷ که صاحب اللآلی المنتظمه (ص ۱۱۴) پنداشته است. علامه تهرانی در بیشتر مواضع، تاریخ وفات او را درست نوشته، اما در بعضی موارد ۱۱۵۰ یا ۱۱۴۸ نوشته که اشتباه است.^{۱۱۸}

در اعیان الشیعه (ج ۵۲، ص ۶۱) و فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۶، ص ۳۷۵) وفات او را ۱۱۵۰ نوشته اند که نادرست است (صص ۳۲۱-۳۲۲).



۱۱۱. کتابخانه های ایران؛ ص ۵۶.

۱۱۲. تاریخچه کتابخانه های ایران؛ ص ۸۰. این کتاب ابتدا در سال ۱۳۴۱ شمسی چاپ شد که بعدها مفصل تر و در دو جلد منتشر گردید.

۱۱۳. قصص العلماء؛ ص ۴۳۶.

۱۱۴. اجازه کبیره؛ ص ۸۱.

۱۱۵. خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۵.

۱۱۶. الغدير؛ ج ۱۱، ص ۲۹۲.

۱۱۷. ریحانة الادب؛ ج ۲، ص ۲۵۴.

۱۱۸. ذریعه؛ ج ۲، ص ۲۲۲ و ج ۱۳، ص ۳۵۹.

